بسم الله الرحمن الرحیم



وزارت معارف

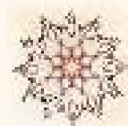
تعلیم و تربیهٔ اسلامی

صنف ششم

(مذهب جعفری)

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ. ش.






مشخصات کتاب

مضمون: تعلیم و تربیهٔ اسلامی (مذهب جعفری)

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی دیپارتمنت جعفری نصاب تعلیمی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: ششم

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

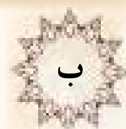
ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامهٔ وزارت معارف

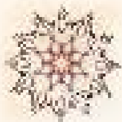
سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

مکان چاپ: کابل

چاپخانه:

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af






پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی‌پایان بر رسول خاتم- حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه‌گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش‌گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهه سرنوشت‌ساز، رهبری و خانوادۀ بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین‌رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکرشده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به‌عنوان تربیت کننده‌گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس راآغاز کنند، که در آیندۀ نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

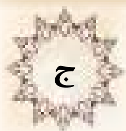
همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفادۀ بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

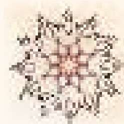
در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

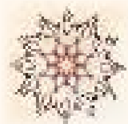
دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف



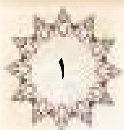


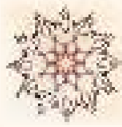






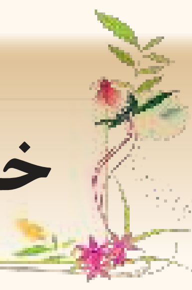
فصل اول
عقاید





درس اول

خداوند جلّ‌جلاله



هدف: آشنایی با برخی از دلایل وجود خداوند جلّ‌جلاله

پرسش‌ها

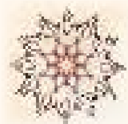
۱. به نظر شما، چگونه می‌توان وجود خدای متعال را اثبات کرد؟

۲. به نظر شما، راه شناخت خداوند جلّ‌جلاله کدام است؟

محمدعلی یک شاگرد باهوش بود و در صنف ششم ابتدایی درس می‌خواند. او همیشه از مادر و پدرش می‌پرسید که: خداوند متعال را چگونه و از چه راهی می‌توان شناخت؟ او خیلی دوست داشت که راه شناخت صحیح خداوند متعال را پیدا کند تا خداوند جلّ‌جلاله را هرچه بیشتر بشناسد؛ اما مادر و پدر محمدعلی بی‌سواد بودند و نمی‌توانستند جواب مناسبی به او بدهند و او را قانع کنند.

روزی پدرش به او گفت: خوب است این موضوع را از معلم صاحب بپرسی تا او جواب قانع‌کننده‌یی به تو بدهد. محمدعلی در یک روز درسی در فرصت مناسب، پیش معلم دینی خود رفت و اجازه گرفت و پرسید: چگونه می‌توانم خدای خود را بشناسم؟ معلم با مهربانی گفت: راه‌های بسیار زیادی برای شناخت خداوند جلّ‌جلاله وجود دارد؛ ولی آسان‌ترین راه شناخت خداوند جلّ‌جلاله این است که ما، در وجود خود و مخلوقات دیگر دقت کنیم و ببینیم که چقدر دقیق، آفریده شده‌ایم. بعد از اندکی تفکر متوجه می‌شویم که این همه چیزهای دقیق و زیبا را تنها یک خالق حکیم و توانا می‌تواند بیافریند.

معلم گفت: آیا می‌دانی که بدن هر موجودی از اجزای مختلف؛ مانند: گوشت، پوست، استخوان و رگ‌هایی که خون را به گوشت و استخوان انتقال می‌دهد ساخته شده است. هر کدام از اعضای بدن ما انسان‌ها و موجودات دیگر کار مخصوصی را انجام می‌دهند؛ طور مثال: چشم‌ها تصویرهای دریافت‌شده را از راه اعصاب به مغز منتقل می‌کنند؛ گوش‌ها صداها را از راه اعصاب به مغز می‌رسانند و دستگاه هاضمه کارهای خاص خود را انجام می‌دهد.




این اعضای بدن با همکاری یکدیگر و به صورت هماهنگ در خدمت انسان قرار دارند؛ طور نمونه دستگاه هاضمه تنها برای خود غذا تهیه نمی‌کند؛ بلکه برای همهٔ اعضای بدن غذا تهیه می‌کند.

معلم از محمدعلی پرسید: شما از این نظم و همکاری عجیب بین اعضای بدن چه می‌فهمید؟ و بعد گفت: ما می‌فهمیم که یک خالق دانا و توانا اعضای بدن را این طور منظم و هماهنگ آفریده است. این آفریدگار و آفرینندهٔ دانا و توانا خداوند ﷻ است. معلم ادامه داد، پس ما باید به چنین خداوند بزرگ ایمان داشته باشیم؛ دستورها و فرمان‌هایش را خوب بفهمیم و از آن‌ها پیروی نماییم تا در دنیا و آخرت سعادت‌مند باشیم.

فعالیت

شاگردان بحث محمدعلی با معلمش را به صورت دو نفری تمثیل کنند.

ارزیابی

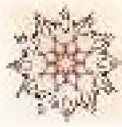
۱. آسان‌ترین راه شناخت خداوند ﷻ کدام است؟
۲. نظم و همکاری بین اعضای بدن چه چیزی را اثبات می‌کند؟
۳. انسان چگونه و از چه راهی می‌تواند به سعادت برسد؟



کار خانه‌گی

شاگردان، در بارهٔ نظم موجود میان گیاهان و حشرات فکر نموده و نظر خود را در سه سطر بنویسند.







درس دوم

خداوند جلّ جلاله شنوا و بینا

هدف: آشنایی با برخی از صفات خداوند جلّ جلاله

پرسش‌ها

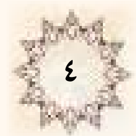
۱. آیا می‌دانید خداوند متعال چگونه است و چه صفاتی دارد؟

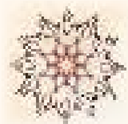
۲. به نظر شما، آشنا شدن با صفات خداوند متعال؛ به‌خصوص شنوایی و بینایی، چه تأثیری بر زنده‌گی انسان دارد؟

در سال‌های گذشته با برخی از تقسیمات صفات خداوند منّان آشنا شدیم؛ اکنون می‌توانیم صفات ثبوتی و سلبی و نیز صفات ذاتی و صفات فعلی را از یکدیگر تمیز دهیم. هم‌چنین آموخته‌ایم که آشنایی با صفات خداوند جلّ جلاله به معنای شناخت خداوند متعال است؛ از این‌رو، شناخت صفات خداوند جلّ جلاله برای ما اهمیت و فایدهٔ زیاد دارد. از آن‌جایی که خداوند متعال هیچ نقص و عیبی ندارد و سراسر کمال است، شناخت صفات آن ذات پاک، شناخت کمالات می‌باشد. هنگامی که ما با صفات خداوند متعال آشنا شدیم، می‌توانیم برای کسب کمالات تلاش کنیم و رنگ الهی بگیریم و بنده‌گان خوب خداوند متعال باشیم.

خداوند متعال دارای صفات زیادی است؛ ولی در این درس تنها در بارهٔ دو صفت خداوند متعال بحث می‌کنیم و می‌بینیم که شناختن این صفات چه تأثیر مثبتی در زنده‌گی ما دارد. این دو صفت عبارتند از سمیع و بصیر؛ یعنی شنوا و بینا. خداوند متعال همهٔ صداها را می‌شنود، بدون آن‌که مثل ما گوش داشته باشد و همه چیز را می‌بیند، بدون آن‌که مانند ما چشم داشته باشد. خداوند متعال به همه چیز، چه گذشته، چه حال و چه آینده آگاه است. هیچ چیزی در جهان وجود ندارد که خداوند جلّ جلاله از آن آگاه نباشد.

خداوند متعال از احوال آفتاب و مهتاب آگاه است و احوال روزمرهٔ زنده‌گی ما و موجودات دیگر را می‌داند. همهٔ آن‌ها را در همهٔ لحظات، می‌بیند و صدای همه موجودات را گرچه






خیلی ضعیف و پایین باشد، می‌شنود. خداوند متعال از نیت‌ها و قصدهای هر انسانی آگاه است.

از سخنان بالا چه نتیجه‌ای می گیرید؟

شاید شما افرادی را بشناسید که در حضور دیگران هیچ کار بدی انجام نمی‌دهند؛ ولی در خلوت و تنهایی برخی از کارهای ناشایست و گناهان را انجام می‌دهند. چرا آن‌ها چنین می کنند؟ آن‌ها به این خاطر این کار را می کنند که آبرو و حیثیت اجتماعی‌شان در میان مردم از بین نرود و دیگران آن‌ها را به حیث انسان‌های نیک و نیکوکار بشناسند. اگر خوب دقت نماییم متوجه می‌شویم که آن‌ها عقیدهٔ کامل به سمیع و بصیر بودن خداوند متعال ندارند و خدای بزرگ را در همه جا و در همه حال حاضر و ناظر نمی‌بینند؛ زیرا وقتی نمی‌خواهیم افراد جامعه، که هیچ کاری نمی‌توانند، از کارهای بد ما آگاه شوند؛ پس چطور می توانیم در برابر دید خداوند متعال مرتکب کارهای بد شویم!؟

قرآن کریم می‌فرماید: کسانی که پاداش دنیوی بخواهند، (و در قید نتایج معنوی و اخروی نباشند، در اشتباه‌اند؛ زیرا) پاداش دنیا و آخرت نزد خداست و خداوند، شنوا و بیناست.[1]

فعالیت

دو نفر از شاگردان خلاصهٔ درس را بیان نموده و شاگردان دیگر اشتباهات آنان را اصلاح کنند.

ارزیابی

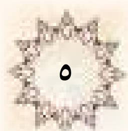
۱. سمیع و بصیر بودن خداوند متعال به چه معنا است؟
۲. دانستن این که خدای متعال سمیع و بصیر است، چه تأثیری بر زنده گی ما دارد؟
۳. چرا بعضی آدم‌ها آشکارا گناه نمی کنند؛ اما در خلوت گناه می کنند؟

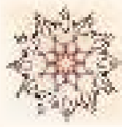


کار خانه گی

شاگردان با همکاری والدین خود یا ملای مسجد، دو آیت دیگر از قرآن در بارهٔ سمیع و بصیر بودن خداوند متعال پیدا نموده و در کتابچه‌های خود بنویسند.

۱– نساء / ۱۳۴.






درس سوم

توحید افعالی

هدف: آشنایی با توحید افعالی

پرسش‌ها

۱. آیا مفهوم توحید افعالی را می‌دانید؟

۲. به نظر شما خداوند متعال چگونه بر تمامی کارها تأثیرگذار است؟

توحید افعالی، یعنی سراسر جهان و کارهایی که در آن صورت می‌گیرد، کار و فعل خدای متعال است. تمامی مخلوقات الهی در کارهای خود به ذات الهی نیازمند می‌باشند. تأثیرهایی که در یکدیگر دارند، به اذن و خواست خدا ﷻ و به واسطهٔ نیرویی است که آن ذات متعال به آن‌ها عطا فرموده است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿قُلِ اللهُ خالِقُ کُلِّ شَیْءٍ وَ هُوَ الْواحِدُ الْقَهّارُ﴾ بگو خداست آفرینندهٔ همه چیز و اوست یگانه قاهر[1]؛ یعنی همه مخلوقات، توان، نیرو و قوت انجام دادن کارها را از خداوند متعال دریافت می‌کنند، چنانکه وجود و هستی آنان نیز از همان ذات پاك سرچشمه گرفته است.

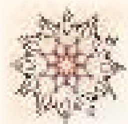
دلیل توحید افعالی

مهم‌ترین دلیل بر توحید افعالی و این‌که خداوند متعال در انجام کارهای خود، نیازمند هیچ موجودی نیست و تمام موجودات در تأثیرگذاری خود نیازمند به او استند، این است که او خالق و وجوددهندهٔ همه می‌باشد؛ یعنی تنها ذاتی که وجودش از خودش است و وجود همهٔ موجودات دیگر از اوست، خداوند متعال است؛ بنابراین همان‌گونه که موجودات در اصل وجود خود وابسته و محتاج به ذات او استند، در تأثیر، فعل و کار خود نیز استقلالی نداشته و به او نیازمندند.

قرآن مجید در توصیف خداوند متعال می‌فرماید: ﴿اَلَّذی لَهُ مُلْكُ السَّمواتِ وَ الْأَرْضِ وَ

۱- رعد/ ۱۶.







﴿لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِي الْمُلْكِ وَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْديرا﴾ او خدایی است که مالکیت آسمان‌ها و زمین از آن اوست و فرزندی نگرفته و در حاکمیت و فرمان‌روایی شریکی ندارد و همه چیز را آفریده؛ پس آن را به نوعی، اندازه‌گیری کرده است.[۱]

شاگردان عزیز، باید توجه داشت که قبول کردن و پذیرفتن توحید افعالی به معنای نفی و رد فاعلیت و کارآیی اسباب و وسایل نیست. خداوند متعال چیزهای دیگری را واسطه و سبب قرار می‌دهد تا از راه آن‌ها تأثیراتی در عالم به وجود آید و ثابت شود. این تأثیرات، تأثیرات حقیقی است؛ مانند: سوزانیدن آتش و سیراب کردن آب؛ اما هیچ‌کدام از این اسباب در کار و عمل و فعالیت خود مستقل نیستند و همه در همهٔ کارهای خود نیازمند خواست خداوند متعال استند.

خواست خداوند متعال است که به واسطهٔ آتش می‌سوزاند؛ به واسطهٔ آب تَر می‌کند و به واسطهٔ باران، زنده‌گی را در وجود گیاه، حیوان و انسان به جریان می‌اندازد.

فعالیت

شاگردان، در گروه‌ها پیرامون کارهای انسان و نسبت آن به خداوند متعال بحث کنند.

ارزیابی

۱. توحید افعالی خداوند متعال به چه معنا است؟

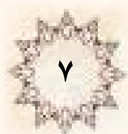
۲. دلیل عمدهٔ توحید افعالی خداوند متعال کدام است؟

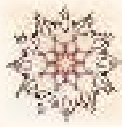


کار خانه‌گی

شاگردان، توحید افعالی خداوند متعال را در سه سطر و به صورت خلاصه در کتابچه‌های خود بنویسند.

۱- فرقان/ ۲.






درس چهارم

توحید صفاتی

هدف: آشنایی با توحید صفاتی

پرسش

آیا معنای توحید صفاتی را می‌دانید؟

در صنف پنجم، به صورت خلاصه، با معنای توحید صفاتی آشنا شدیم. در این صنف می‌خواهیم به صورت مفصل‌تر در بارۀ آن بدانیم.

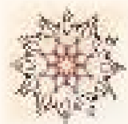
توحید صفاتی دو معنا دارد:

الف) خدای متعال در صفات خود بی‌مانند و بی‌همتاست. هیچ قدرتی مثل قدرت او وجود ندارد و هیچ علمی مثل علم او نیست؛ زیرا:

۱. صفات خداﷻ از خود او است؛ در حالی‌که صفات موجودات دیگر از جانب خداوند متعال است.

۲. صفات کمال او بی‌پایان و نامحدود است؛ اما صفات کمال موجودات دیگر محدود و پایان‌پذیر است.

ب) صفات کمال و ذاتی خداوند متعال عین ذات او استند؛ به این معنا که صفات ذاتی خداوندﷻ از ذات اوتعالی جدا نیست و از هم‌دیگر هم جدا نیست. به عبارت دیگر، چنین نیست که ذات خداوند متعال از یک جهت عالم باشد و از جهت دیگر قادر و مختار؛ بلکه علم، قدرت و اختیار عین ذات خداوندﷻ می‌باشند؛ زیرا اگر صفات خداوندﷻ، مثل صفات انسان، غیر از خود او باشند و با یکدیگر فرق کنند، در آن صورت ترکیب و محدودیت در ذات الهی راه خواهد یافت، که همۀ این موارد از خداوند متعال دور و منتفی است. از طرف دیگر، در این صورت، ذات خداوند متعال برای پیدا کردن موجودات و دادن علم و قدرت




به آن‌ها به صفات خود نیازمند می‌شود، که نیازمندی با همیشه‌گی بودن خداوند متعال منافات دارد.

خداوند متعال یک موجود یگانهٔ بدون ترکیب و بدون شریک است؛ اگرچه صفات قدرت، علم، حیات و... متعدد و زیاد است. مقصود ما از توحید صفاتی همین مسأله است.

فعالیت

شاگردان، در گروه‌های سه نفری در بارهٔ معنای توحید صفاتی بحث کنند.

ارزیابی

۱. معنای اول توحید صفاتی چیست؟ توضیح دهید.

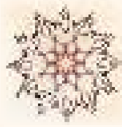
۲. آیا قدرت و علم خداوند متعال یک چیز است؟ واضح سازید.



کار خانه‌گی

شاگردان، مهم‌ترین مطالب درس را در دو سطر خلاصه نموده و در کتابچهٔ خود بنویسند.






درس پنجم

عصمت انبیاء علیهم‌السلام

هدف: آشنایی با عصمت انبیاء علیهم‌السلام

پرسش‌ها

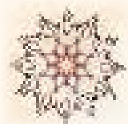
۱- آیا می‌دانید که پیامبران الهی معصوم استند؟

۲- آیا شما دلیلی برای معصوم بودن پیامبران الهی دارید؟

آیا تا کنون اتفاق افتاده است که شما یا یکی از دوستان شما، بخواهید چیزی خیلی مهمی را از یک شهر به شهر دیگر بفرستید؟ به نظر شما، چه کسی با چه ویژه‌گی‌ها و صفاتی شایسته است تا آن چیز مهم را به مقصد برساند؟ آیا تا حال در این باره فکر کرده بودید؟

بلی؛ شما یا هر کس دیگر وقتی می‌خواهید یک چیز مهم را به جایی بفرستید، تلاش می‌کنید آدمی را پیدا کنید که: ۱) انسان امانت‌دار، راستگو و درست‌کار باشد و ۲) فراموش‌کار نباشد تا بتواند وسیله و مال فرستاده‌شده را به درستی به مقصد برساند.

حال، آیا می‌دانید که دین و دستورات خداوند متعال، پیام‌های خیلی مهم خداوند متعال برای انسان هستند؟ خداوند بزرگ که دانا و حکیم است به طور قطعی و به صورت حتمی این اهمیت را می‌دانسته است. آن ذات مقدس در پیامبران و رسولان خود که رساننده‌گان آن پیام‌ها بوده‌اند، باید این صفات را مراعات کرده باشد و به طور حتمی این صفات را به ایشان داده باشد؛ زیرا اگر پیامبران علیهم‌السلام خیانت‌کار، فراموش‌کار و یا دروغ‌گو باشند، پیام‌های الهی را به درستی به مقصد نمی‌رسانند و کسی نمی‌تواند به گفته‌های آن‌ها اعتماد نماید و اگر اعتماد هم کند به گمراهی خواهد افتاد؛ بنابراین، انسان با هوش و عاقل می‌داند که پیامبران علیهم‌السلام از هرگونه گناه، اشتباه و فراموشی معصوم باشند و هرگز خطایی را مرتکب نشوند و گناهی نکنند.




خداوند متعال در قرآن کریم به اطاعت بی‌قید و شرط سه کس امر کرده است: ۱– خدا ﷻ، ۲– رسول ﷺ، ۳ – أولی الأمر.

﴿یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا أَطیعُوا اللهَ وَ أَطیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدای متعال را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید.[1]

این آیهٔ شریفه بر عصمت و پاکی رسول خدا ﷺ از هرگونه گناه و آلوده گی دلالت دارد؛ چه، اگر رسول خدا ﷺ معصوم نباشد، ممکن است در موردی به خواست و مقتضای تمایلات خویش، یا بر اساس منافع شخصی، به چیزی امر کند که خداوند متعال از آن منع و نهی فرموده است؛ در این صورت، امر به اطاعت رسول ﷺ با امر به اطاعت خداوند متعال سازگاری نخواهد داشت و جملهٔ اول آیه با جملهٔ دوم آیه منافات خواهد داشت.

فعالیت

شاگردان، در بارهٔ شرایط پیام‌رسانِ یک پیام مهم، با هم در گروه‌ها بحث نموده و نتیجهٔ بحث خود را برای معلم ارائه کنند.

ارزیابی

۱– آیهٔ شریفهٔ «أطیعوا...» چه چیزی را اثبات می کند؟

۲– آیا مردم به حرف آدم دروغ‌گو اعتماد می کنند؟ توضیح دهید.

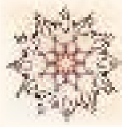


کار خانه گی

شاگردان، معنای آیهٔ شریفه را با استفاده از قرآن ترجمه‌دار، به صورت کامل در کتابچه‌های خود بنویسند.

۱– نساء/ ۵۹.





درس ششم

معجزه

هدف: آشنایی با نشانه‌های معجزهٔ پیامبران علیهم‌السلام

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید که معجزه به چه چیزهایی گفته می‌شود؟

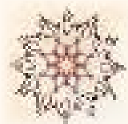
۲- به نظر شما، معجزه علت و سببی دارد؟

معجزه به کارها و اموری گفته می‌شود که انسان‌ها از انجام آن‌ها عاجزاند و معجزه یکی از نشانه‌های پیامبری است. هر پیامبری برای اثبات پیامبری خود معجزه‌ای می‌آورد که به طور معمول، امور خارق‌العاده است؛ اما هر کار خارق‌العاده‌ای معجزه نیست؛ چنانکه کارهای مرتاضان خارق‌العاده است، اما معجزه نیست. برای این که معلوم شود کدام کار خارق‌العاده به ارادهٔ خاص الهی است و معجزهٔ پیامبر، باید علامت‌ها و نشانه‌هایی داشته باشد.

برخی از آن علامت‌ها عبارت‌اند از:

۱- معجزه، مغلوب هیچ عاملی نمی‌شود. نه عامل طبیعی می‌تواند معجزه را باطل کند و اثرش را از بین ببرد و نـه عامل غیرطبیعی؛ به عنوان نمونه: یک مرتاض می‌تواند با یک اشاره، جسم سنگینی را در هوا نگهدارد؛ اما مرتاض قوی‌تر دیگری می‌تواند ایـن کار او را خنثا کرده و با یک اشاره، آن جسم را به پایین بیاورد؛ لکن در معجزه چنین نیست و هیچ نفس قوی‌ای نمی‌تواند مانع وقوع معجزه شود یا معجزهٔ پیامبر را باطل کند.

۲- معجزه، قابل تعلیم و تعلّم نیست. معجزه، درسی نیست که کسی بخواند و یاد بگیرد، یا ریاضتی که با انجام آن قدرت بر معجزه پیدا کند؛ بلکه موهبتی الهی است که خداوند متعال آن را علامت نبوت قرار داده است؛ ولی سایر تصرّفات غیرعادی و امور خارق‌العاده که از بعضی آدم‌ها سر می‌زند، قابل تعلیم و تعلّم است. دیگران هم می‌توانند با آموزش‌ها و تمرین‌های ویژه به آن‌ها دست یابند.




۳- معجزه، همراه با ادعای نبوت و پیامبری است. از این‌رو، اگر کسی کار خارق‌العاده‌یی انجام دهد؛ ولی مدعی نبوت و پیامبری نباشد، آن کار، کار خارق‌العاده است و معجزه نیست.

فعالیت

شاگردان، نمونه‌هایی از کارهای خارق‌العاده را نام برده و فرق معجزه با دیگر کارهای خارق‌العاده را بیان کنند.

ارزیابی

۱- معجزه چیست؟

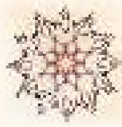
۲- علامت‌های معجزه کدام‌اند؟



کار خانه‌گی

شاگردان، یک نمونه از کارهای خارق‌العاده را در کتابچه‌های خود بنویسند.







درس هفتم

صاحب خوی نیکو (خُلق عظیم)

هدف: آشنایی با خصوصیت دیگر شخصیت پیامبر گرامی اسلام ﷺ

پرسش‌ها

۱- شما چقدر با شخصیت رسول گرامی اسلام آشنایی دارید؟

۲- آیا شما می‌دانید او چه اخلاقی داشت؟

از ویژه‌گی‌های انسان‌های بزرگ، نفوذ در قلب انسان‌های حق‌خواه دیگر است؟ حضرت محمد مصطفی ﷺ که بهترین و سرآمد مخلوقات و سید پیامبران است، چنان شخصیت عالی و برجسته‌یی داشت که اصحاب بزرگوار آن حضرت با تمام وجود شیفته و عاشق او بودند.

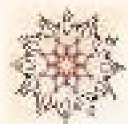
این بدان خاطر بود که حضرت رسول ﷺ از عالی‌ترین خُلق و ادب برخوردار بود.

یکی از ممتازترین صفت‌های پیامبر اسلام که در آیات قرآن بیان شده است، «خلق عظیم» می‌باشد. در سورهٔ مبارکهٔ «قلم»، خداوند متعال پیغمبرش را این‌گونه می‌ستاید: ﴿وَ إِنَّك لَعَلى خُلُقٍ عَظِيم﴾ تو ای پیامبر دارای اخلاق بزرگی استی.[1]

وقتی خدای سبحان از کس یا چیزی به بزرگی یاد کند، معلوم می‌شود که آن کس یا آن چیز از عظمت فوق‌العاده‌یی برخوردار است؛ چون آن ذات پاك هر چیزی را با صفت بزرگی ستایش نمی‌کند. بسیاری از موارد را با صفت ضعف یا کمی یاد می‌کند و سراسر دنیا را اندك می‌شمرد و می‌گوید: «سرمایهٔ زنده‌گی دنیا ناچیز است».[2] اما وقتی از خلق و خوی رسول خدا ﷺ نام می‌برد، می‌فرماید: «ای پیامبر تو دارندهٔ همه اخلاق نیکو در حد اعلا استی!».[3]

آیهٔ دیگری که در بارهٔ اخلاق پسندیدهٔ رسول خدا ﷺ نازل شده، آیهٔ ۱۵۹ سورهٔ آل عمران است:﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللهِ لِنتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنتَ فَظاًّ غَلِيظَ الْقَلْبِ لانفَضُّوا مِنْ حَوْلِك فَاعْف

۱- قلم / ۴.
۲- نساء / ۷۷.
۳- عبدالله جوادی آملی: سیره رسول اکرم ﷺ در قرآن، ج ۸، ص ۵۸.




عَنهُمْ وَ استَغْفِرْ لَهُمْ وَ شاوِرْهُمْ﴾ به (برکت) رحمت الهی، در برابر آن‌ها (مردم) نرم (و مهربان شدی)! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. پس آن‌ها را ببخش و برای آن‌ها آمرزش بطلب و در کارها، با آن‌ها مشورت کن.

آری، اگر این اخلاق و خوی نیکو نبود، آن ملت عقب‌ماندهٔ جاهلی ومردم آن روز در آغوش اسلام قرار نمی‌گرفتند و به مصداق «لانفضّوا من حولك» همه پراکنده می‌شدند.

فعالیت

شاگردان، در بارهٔ خوی نیکو و خلق عظیم پیامبر ﷺ با هم بحث کنند.

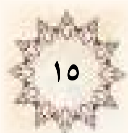
ارزیابی

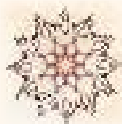
۱- یکی از صفات پیامبر گرامی اسلام که در قرآن‌کریم آمده، چیست؟
۲- اخلاق پیامبر اسلام ﷺ چگونه بود؟
۳- خداوند متعال، دلیل جمع شدن آدم‌ها را در اطراف پیامبر ﷺ چه دانسته است؟



کار خانه‌گی

شاگردان، خلاصهٔ درس را در پنج سطر بنویسند.






درس هشتم

قرآن کریم

هدف: آشنایی بیشتر با قرآن کریم



پرسش‌ها

۱- آیا نام کتاب‌های آسمانی پیامبران علیهم‌السلام را می‌دانید؟

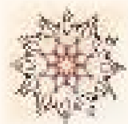
۲- تفاوت قرآن با کتب آسمانی دیگر چیست؟

خداوند (جلّ جلاله) برای هدایت و رهنمایی بنده‌گان خود کتاب‌هایی را بر پیامبران خویش نازل کرده است؛ به عنوان نمونه: زبور را به حضرت داود علیه‌السلام، تورات را به حضرت موسی علیه‌السلام و انجیل را به حضرت عیسی علیه‌السلام فرستاد.

قرآن کریم کتاب خداوند جل‌جلاله است که بر حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، رسول گرامی اسلام، نازل شده است. قرآن کریم در طی بیست و سه سال در شرایط مختلف بر نبی اکرم نازل گردید. ما به همهٔ پیامبران الهی و کتاب‌های آن‌ها ایمان داریم و آن‌ها را محترم می‌شماریم؛ اما قرآن کریم تفاوت‌هایی با کتب آسمانی دیگر دارد که دانستن آن‌ها بسیار مهم است:

۱- قرآن کریم جاودانی است: کتاب‌های پیامبران پیشین برای دوره‌های معینی بود؛ ولی قرآن کریم و دین مبین اسلام تا روز قیامت باقی می‌ماند.

۲- قرآن کریم تحریف نشده است: به این معنی که قرآن کریم شامل کامل‌ترین معارف برای هدایت انسان است. کتاب‌های سایر پیامبران بعد از مدتی دچار تحریف شدند؛ ولی قرآن کریم بعد از چهارده قرن بدون هیچ‌گونه تحریف و تغییری باقی مانده و تا پایان زمان باقی می‌ماند.




۳. قرآن کریم معجزهٔ پیامبر اسلام است: قرآن کریم معجزهٔ جاودانی نبی اکرم است. قرآن کریم از لحاظ محتوا، عالی‌ترین و غنی‌ترین معارف را به بشر عرضه نموده و از لحاظ بلاغت یک شاهکار فوق توان بشری است و هیچ انسانی نمی‌تواند مانند آن را بنویسد.

٤. قرآن کریم کاشف أسرار طبیعت است: قرآن کریم برخی از اسرار جهان طبیعت را بازگو می‌کند که در زمان نزول قرآن، کشف آن اسرار برای بشر امکان نداشت و با ابزار دقیق علمی در قرن‌های پسین ثابت شده است.

۵. قرآن کتاب بی‌اختلاف و یکدست است: قرآن کریم در طول بیست و سه سال و در حالت‌های گوناگون و شرایط مختلف بیان شده؛ گاهی در مکه و زمانی نیز در مدینه نازل شده است. با وجود این کوچک‌ترین اختلاف، تناقض و منافاتی در آن نیست. خود خدای متعال در این زمینه می‌فرماید: ﴿أَ فَلا یَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ کانَ مِنْ عِنْدِ غَیْرِ اللهِ لَوَجَدُوا فیهِ اخْتِلافاً کَثیراً﴾ آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود، قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند.[1]

فعالیت

شاگردان، کتاب‌های آسمانی نازل‌شده بر پیامبران را نام ببرند.

ارزیابی

۱- تفاوت‌های اساسی قرآن کریم و سایر کتب آسمانی، کدام است؟

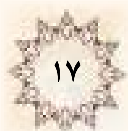
۲- قرآن کریم جاودانی است به چه معنا؟ توضیح دهید.

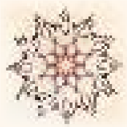


کار خانه‌گی

شاگردان، تفاوت‌های قرآن کریم با سایر کتاب‌های آسمانی را در کتابچهٔ خود بنویسند.

۱- نساء / ۸۲.







درس نهم

امامان خود را بشناسیم

هدف: آشنایی با زنده‌گانی و شخصیت ائمه اهل بیت علیهم‌السلام

پرسش‌ها

۱- محل شهادت و دفن امام دهم کجاست؟

۲- آیا نام امام یازدهم را می‌دانید؟

۳- آیا امام نهم را می‌شناسید؟

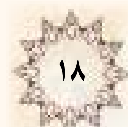
امام محمد تقی علیه‌السلام

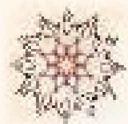
امام نهم ما حضرت امام محمد تقی علیه‌السلام می‌باشد. پدر آن حضرت، امام رضا علیه‌السلام است و مادرش بانوی گرامی به نام «سبیکه نوبیه» بود. کنیهٔ آن حضرت، «ابوجعفر» و القاب مشهور آن حضرت، «تقی» و «جواد» می‌باشد. امام جواد علیه‌السلام در ماه رمضان سال ۱۹۵ هـ.ق. در مدینهٔ منوره متولد شد. امام محمد تقی علیه‌السلام در سن بیست و پنج ساله‌گی در ماه ذی‌القعدهٔ سال ۲۲۰ هجری قمری به شهادت رسید و پیکر مبارکش در کاظمین به خاک سپرده شد.

امام علی هادی علیه‌السلام

نام امام دهم ما «علی» و لقب‌های مشهور ایشان، «هادی» و «نقی» می‌باشد. پدرش، امام نهم، امام جواد علیه‌السلام و مادرش بانوی با فضیلتی به نام «سمانه» بود. او در ۱۵ ذی‌الحجهٔ سال ۲۱۲ هجری در اطراف مدینه در محلی به نام «صربا» به دنیا آمد.

امام هادی نیز، همانند پدرش، در سن کم به امامت رسید. مدت امامت آن بزرگوار ۳۳ سال بود. متوکل عباسی چون از محبوبیت امام در میان مردم می‌ترسید، امام را مجبور کرد که از مدینه به سامراء- پایتخت عباسیان- برود و در آنجا هرگونه تماس و ملاقات مردم را با امام ممنوع کرد و در نهایت در سال ۲۵۴ هـ.ق. در شهر سامراء مسموم گردید و به شهادت رسید و پیکر مطهرش در همان مکان دفن شد.







امام حسن عسکری علیه‌السلام

امام حسن عسکری، امام یازدهم شیعیان و فرزند امام هادی علیه‌السلام بود که در روز جمعه هشتم ربیع‌الثانی سال ۲۳۲ هجری به دنیا آمد. مادرش زنی پارسا به نام «حدیثه» بود. امام چهار ساله بود که به اجبار حکومت عباسی با پدرش به سامراء آمد و در منطقهٔ نظامی زیر نظر حکومت به زنده‌گی خود ادامه داد و به همین خاطر به «عسکری» معروف شد. مدت امامت او ۶ سال بود و در هشتم ربیع‌الاول سال ۲۶۰ مسموم و شهید شد و در کنار پدر بزرگوارش در سامراء به خاک سپرده شد. ایشان در همین چند سال اقامت در سامراء چنان شهرت علمی و اخلاقی پیدا کرد که مردم از همه‌جا برای دیدنش می‌آمدند.

فعالیت

سه نفر از شاگردان، نام، نام پدر و لقب هر سه امام را بیان کنند.

ارزیابی

۱- مدت امامت امام دهم و یازدهم به ترتیب چند سال بود؟
۲- چرا امام دهم و یازدهم از مدینه به سامراء آمدند؟
۳. چرا امام یازدهم را «عسکری» می‌گویند؟

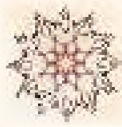


کار خانه‌گی

شاگردان، مانند جدول زیر در کتابچه‌های خود جدول ترتیب کنند و سپس آن را تکمیل نمایند.

نام امام	نام پدر	نام مادر	مکان و زمان تولّد	زمان شهادت	مدفن
امام محمد تقی علیه‌السلام					
امام علی نقی علیه‌السلام					
امام حسن عسکری علیه‌السلام					







درس دهم

امام زمان خود را بشناسیم

هدف: آشنایی با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

پرسش‌ها

۱- آیا شما امام زمان خود را می‌شناسید؟

۲- چرا باید در هر زمانی یک امام معصوم وجود داشته باشد؟

پیامبر ﷺ فرمود: «اگر از دنیا جز روزی (یک روز) نماند، خدا آن روز را دراز کند تا در اثنای آن، مردی از خاندان مرا برانگیزد. نام وی موافق نام من و کنیه‌اش کنیهٔ من باشد و زمین را که از ظلم پر شده است، از انصاف و عدالت پر کند.»[1]

آیا شما تا به حال این سخن پیامبر ﷺ را شنیده‌اید؟ آیا تا به حال به پایان تاریخ و آخر زمان اندیشیده‌اید؟ به نظر شما، آخرِ زمان چگونه خواهد بود؟

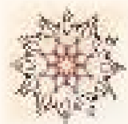
هر وقت این سؤال‌ها به ذهن کسی بیاید و برای فهم آن به کتاب‌های مذهب شیعه در این زمینه مراجعه کند، به طور حتمی به شخصی برمی‌خورد، با عنوان «امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)».

امام زمان، حضرت مهدی (عج) است. او دوازدهمین امام و آخرین وصی پیامبر است و نامش همان نام پیامبر است. مهدی (عج) فرزند امام حسن عسکری علیه‌السلام و حضرت نرجس است. لقبش «مهدی» و «هادی» است. کنیه‌اش کنیهٔ پیامبر خاتم «اباالقاسم» است. امام دوازدهم در ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامراء متولد شد.

مهدی(عج) شش ساله بود که پدرش شهید شد. پس از شهادت پدر، آن حضرت به امر و خواست خداوند متعال «غیبت صغرا» اختیار کرد و توسط چهار «نایب خاص» به سؤال‌های شیعیان جواب می‌داد و مشکلات ایشان را حل می‌نمود.

بعد از ۶۹ سال، در سال ۳۲۹ (هـ.ق.) غیبت کبرای امام دوازدهم شروع شد که این امر تا

۱- نهج الفصاحه/ حدیث ۲۳۵۲.




هنگام ظهور ادامه خواهد یافت.

عوامل غیبت

جواب حقیقی و واقعی این سؤال را که «چرا امام مهدی (عج) غایب است؟» خداوند متعال می‌داند؛ اما جواب‌هایی نیز وجود دارد که من و شما هم می‌دانیم و در این‌جا برخی از آن جواب‌ها را مرور می‌کنیم.

۱- رهایی از شهادتِ زودهنگام: همه می‌دانیم که تمامی امامان پیش از امام مهدی (عج) توسط حاکمان ظالم زمانهٔ خود شهید شدند. اگر این امام نیز شهید می‌شد، خواست خداوند متعال برای به وجود آوردن حکومت عدل اسلامی در تمام جهان تحقق نمی‌یافت. از این جهت بود که خداوند متعال او را از چشم‌های ظالمان پنهان کرد و نگذاشت دست آنان به امام دوازدهم برسد تا روزی که او ظهور کند و آن حکومت جهانی را به وجود آورد.

۲- امتحان و آزمون الهی: خداوند متعال به واسطهٔ این کار، آدم‌های خوب را از آدم‌های بد و مؤمنان راستین را از مدعیان ایمان جدا می‌کند.

۳- خواست خداوند متعال براین بود که هیچ دوره و زمانه‌یی زمین از وجود امام معصوم علیه‌السلام خالی نباشد.

فعالیت

شاگردان، در بارهٔ عوامل غیبت امام زمان (عج) با هم بحث کنند.

ارزیابی

۱- چرا امام زمان (عج) غیبت کرد؟

۲- نام و نام پدر امام زمان (عج) چیست؟

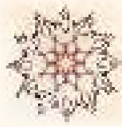
۳- غیبت صغرای امام زمان (عج) چه زمان شروع و چه زمان ختم شد؟



کار خانه‌گی

شاگردان، درس را در پنج سطر خلاصه نموده و در کتابچه‌های خود بنویسند.






درس یازدهم



معاد یا زنده‌گی پس از مرگ

هدف: آشنایی با معاد یا زنده‌گی پس از مرگ

پرسش‌ها

۱- شما راجع به معاد چه می‌دانید؟

۲- آیا برای وجود معاد دلیل دارید؟

همه می‌دانیم که انسان بعد از مردن نابود نمی‌شود؛ بلکه در وقت معینی، خداوند متعال همهٔ انسان‌ها را زنده کرده و اعمال آن‌ها را محاسبه می‌کند آنگاه برای همگان معلوم می‌شود که چه کسی در دنیا کارهای خوب انجام داده تا به بهشت برود و چه کسی کارهای بد انجام داده تا به جهنم برود.

همهٔ ادیان الهی به روز قیامت و جهان آخرت اعتقاد دارند. دین مبین اسلام که آخرین و کامل‌ترین دین الهی است، در بارهٔ معاد نیز کامل‌ترین مطالب را بیان نموده و بیش‌ترین تأکیدها را داشته است و تعداد زیادی از آیات قرآن کریم به معاد اختصاص دارد.

اما مسألهٔ مهم این است که اسلام، دنیا و آخرت را با هم مرتبط دیده است؛ به گونه‌یی که در حدیثی، دنیا مزرعه و کشتگاه آخرت دانسته شده است[1]. بر اساس بیان قرآن، انسان هرچه در دنیا می‌کارد، در آخرت حاصل همان چیز را درو می‌کند. حافظ شیرازی این محتوای دینی را در ضمن غزلی زیبا چنین بیان می‌کند:

مزرعِ سبز فلک دیدم و داس مه نو   یادم از کِشته خویش آمد و هنگام درو

دلیل معاد: معاد دلایل زیادی دارد که مهم‌ترین آن «برهان حکمت» است.

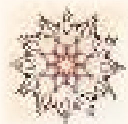
خلاصهٔ برهان این است که:

۱- عالم هستی و جهان آفریدهٔ خداوند متعال و حکیم است.

۲- خدای حکیم ممکن نیست کاری را بدون هدف انجام دهد.

۱- عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۶۷.






۳- تمام اهداف قابل تصور در هستی و جهان در این زنده‌گی مادی و کوتاه دنیایی، محقق نمی‌شود و واقع نمی‌گردد.

۴- پس باید زنده‌گی دیگری باشد که بتواند تمام اهداف آفرینش و خلقت را برآورده کند. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: ﴿وَ ما خَلَقْنَا السَّماءَ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَيْنَهُما باطِلاً ذٰلِكَ ظَنُّ الَّذينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذينَ كَفَرُوا مِنَ النّارِ﴾ و آسمان و زمین و آنچه را که میان این دو است به باطل نیافریدیم، این گمان کسانی است که کافر شده [و حق‌پوشی کرده]اند؛ پس وای از آتش بر کسانی که کافر شده‌اند.[1]

اگر ما زنده‌گی این جهان را بدون جهان دیگر (معاد و قیامت) در نظر بگیریم، پوچ و بی‌معنا خواهد بود، و مانند این است که زنده‌گی دوران جنینی بدون زنده‌گی این دنیا باشد.

فعالیت

شاگردان، در گروه‌ها در بارۀ معاد بحث کنند.

ارزیابی

۱- بر اساس بیان قرآن، رابطۀ دنیا و آخرت چگونه تعریف شده است؟

۲- آیا دین اسلام و کتابش، قرآن کریم، در بارۀ معاد سخن گفته است؟

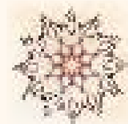


کار خانه‌گی

شاگردان، مهم‌ترین بخش‌های درس را در پنج سطر، خلاصه نموده و در کتابچه‌های خود بنویسند.

۱- ص / ۲۷.





درس دوازدهم

بهشت و جهنم

هدف: آشنایی با بهشت و جهنم

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید چه کسانی وارد بهشت می‌شوند؟

۲- چه چیزهایی خوراک اهل جهنم است؟

در روز قیامت، پس از بررسی اعتقادات و اعمال انسان‌ها، گروهی به علت ایمان و کارهای خوب به بهشت می‌روند و گروهی نیز به دلیل کفر و کارهای بد به جهنم سرازیر می‌شوند.

بهشت

بر اساس فرمایشات قرآن، بهشت جایگاه مؤمنان شب زنده‌دار و انفاق‌کننده است.[۱] جایگاه کسانی است که برای گسترش تعالیم الهی تلاش بی‌اندازه کرده و جان و مال خود را نثار نموده‌اند.[۲] در یک کلام، بهشت جایگاه تمام کسانی است که بنده‌گیِ خدا را پیشهٔ خود ساخته و حقوق موجودات عالم را مراعات کرده و وظیفه دینی خود را انجام داده‌اند.

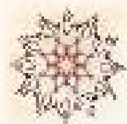
زنان و مردان بهشتی، در بهشت از انواع نعمت‌های خداوند متعال بهره‌مند استند. هر خوردنی، نوشیدنی و لذتی که بخواهند برای‌شان فراهم است.[۳] برتر از همهٔ نعمت‌ها و لذت‌ها، رضوان و رضایت پروردگار است.[۴]

۱- سجده/ ۱۵ تا ۱۹.

۲- توبه/ ۱۱۱.

۳- زخرف/ ۷۱.

۴- توبه/ ۷۲.



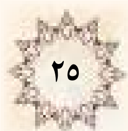

یاد بهشت در این دنیا، امید را در جان انسان زنده کرده، او را به کارهای نیک سوق می‌دهد و از پلیدی‌ها و گناهان باز می‌دارد.[1] بنا به فرمودهٔ حضرت امیر علیه‌السلام، آدمی برای دنیا و ماندن در آن آفریده نشده؛ بلکه برای بهره‌بری و عبور از دنیا و رسیدن به سعادت و بهشت جاودان خلق شده است.[2]

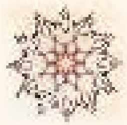
جهنم

جهنم مظهر و نشانهٔ غضب و قهر خداوند متعال و جایگاهی پُر از آتش شعله‌ور است.؟ آتشگیره و سوخت آن، مردم و سنگ است[3]. ملایکه‌یی سخت‌گیر بر آن مأمور است.[4] پیامبر خدا فرمود: «آتش دنیا جزئی از هفتاد جزء (یک هفتادم) آتش جهنم است.»[5] شراره‌های آتش آن به قدری سوزاننده است که چیزی را باقی نمی‌گذارد.[6] غذای اهل دوزخ، خیلی تلخ، بدبو و بدرنگ است (درخت زقوم است و چرک و خون).[7]

هیچ راه فراری از آن جایگاه بد وجود ندارد.[8] پوست بدن اهل جهنم بر اثر شعله‌های فروزان آتش، مدام در حال تغییر می‌باشد. پوست‌ها می‌سوزند و ذوب می‌شوند؛ اما تمام نمی‌شوند و پوست دیگری جای آن را می‌گیرد.[9] جهنمیان همواره در حسرت و افسوس به سر می‌برند که چرا از فرصت زنده‌گی دنیا استفاده نکردند. آرزو می‌کنند که ای کاش در دنیا، دوستان خوبی داشتند و در صراط مستقیم و راه راست و میانه حرکت کرده بودند.

۱- نهج البلاغه؛ کلمات قصار، شماره ۳۱.
۲- همان؛ خطبه ۱۳۲ (صبحی صالح).
۳- بقره/ ۲۴.
۴- تحریم/۶.
۵- علی بن ابراهیم؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۶۶. مجلسی؛ بحارالانوار، ج ۸، ص ۲۸۸، حدیث ۲۱.
۶- مدثر/ ۲۶ - ۲۸.
۷- حاقه/ آیه ۳۶. واقعه/ آیه ۵۲.
۸ - حج/ آیه ۲۲.
۹ - نساء/ آیه ۵۶ .





فعالیت

شاگردان، در گروه‌ها در بارۀ بهشت و جهنم بحث کنند.

ارزیابی

۱. چرا برخی از آدم‌ها به بهشت و برخی به جهنم می‌روند؟

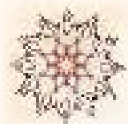
۲. بهشت جایگاه چگونه انسان‌هایی است؟

۳. چرا جهنمی‌ها همواره در افسوس و حسرت‌اند؟



کار خانه‌گی

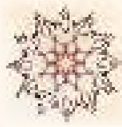
شاگردان، از طریق صحبت با والدین خود و همکاری آنان، سه سطر در بارۀ بهشت و جهنم بنویسند.





فصل دوم

احکام




درس سیزدهم

روزه

هدف: آشنایی با روزه

پرسش‌ها

۱- آیا شما می‌دانید روزه چیست؟

۲- به نظر شما، چرا انسان باید روزه بگیرد؟

خداوند متعال خالق و اداره‌کنندۀ همۀ مخلوقات از جمله انسان است؛ به این‌جهت است که آن ذات متعال، توانایی‌ها و نیازمندی‌های وجودی تمامی موجودات را می‌داند و برای بهتر ساختن زنده‌گی موجودات؛ به خصوص انسان، دستوراتی را توسط پیامبران علیهم‌السلام بیان کرده است.

یکی از آن دستورات، روزه است. «روزه» از عبادت‌های بسیار مهم و از فروع دین مقدس اسلام است. این عبادت در همۀ ادیان الهی وجود داشته است. روزه، همان‌گونه و به همان‌اندازه که برای بهترشدن اخلاق و افزایش معنویت انسان مفید است، برای صحت و تندرستی این موجود نیز فایده دارد.

رسول گرامی اسلام فرموده است: «صُومُوا تَصِحُّوا؛ روزه دارید تا تندرست شوید.»[۱]

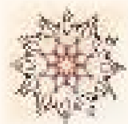
روزه عبارت است از این‌که انسان مکلف برای انجام فرمان خداوند جل‌جلاله از طلوع فجر تا هنگام مغرب از خوردن، آشامیدن و برخی کارهای دیگر که «مبطلات روزه» نامیده می‌شوند، خودداری نماید.

نکات

۱- در روزه نیت شرط است؛ ولی لازم نیست که نیت به زبان گفته شود؛ بلکه اگر کسی در قلبش نیت کند که «به خاطر اطاعت فرمان خداوند جل‌جلاله روزه می گیرم»، روزه‌اش صحیح است. بهتر است انسان برای روزۀ هر روز، شب قبل از آن، نیت کند. همچنان مستحب است که

۱ - نهج الفصاحة/ حدیث ۱۸۵۴.






قبل از اذان صبح، مقداری غذا (سحری) بخورد تا برای روزه گرفتن آماده‌گی کامل داشته باشد.

۲- روزه سپر عذاب خدا از آتش و سبب نجات انسان از دردهای روانی و بدنی است؛ به شرطی که روزه‌دار با دروغ، غیبت، ناسزا و بدکرداری آن را نشکند و از میان نبرد.[۱] روزه‌دار باید روزه‌داری خود را با صبوری همراه نماید.[۲]

۳- روزه ایجادکنندهٔ تقوا در انسان و به وجودآورندهٔ اعتماد و محبت در اجتماع روزه‌داران است؛ البته به شرطی که این تقوا و اعتماد به وسیلهٔ دروغ، غیبت و سخن‌چینی و سایر اموری که ضربه به تقوای فرد و اعتماد و محبت اجتماعی می‌زند، از بین نرود.

فعالیت

شاگردان، در بارهٔ کیفیت روزهٔ درست با هم در گروه‌های سه نفری بحث نمایند.

ارزیابی

۱. چرا خداوند متعال انسان را دستور داده است که روزه بگیرد؟

۲. روزه چیست؟

۳. نیت روزه چگونه باید انجام شود؟



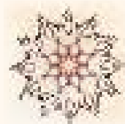
کار خانه‌گی

شاگردان، در مورد فواید روزه با راهنمایی والدین و افراد باسواد خانوادهٔ خود پنج سطر بنویسند.

۱- همان/ حدیثهای ۱۸۸۳، ۱۸۸۶ و ۱۸۸۷.

۲- همان/ ۱۸۸۵.





درس چهاردهم

احکام روزه

هدف: آشنایی با احکام روزه

پرسش‌ها

۱- آیا شما احکام روزه را می‌دانید؟

۲- به نظر شما انسان چگونه باید نیّت روزه بکند؟

اول: در صحت روزه، نیت با اجزای سه‌گانهٔ آن معتبر است: ۱- قصد قربت، ۲- قصد اخلاص؛ یعنی ریا نباشد؛ زیرا ریا حرام است و روزه را باطل می‌کند. ۳- قصد اسمی که شارع آن را معین نموده؛ مثلاً روزهٔ کفاره یا روزهٔ نذر.

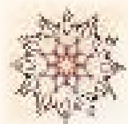
دوم: لازم نیست انسان نیت روزه را از قلب خود بگذراند یا بر زبان جاری سازد و بگوید فردا را روزه می‌گیرم. همین اندازه که برای انجام فرمان خداوند متعال و تقرب به او از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می‌کند انجام ندهد، کافی است.

سوم: انسان می‌تواند در هر شب از ماه رمضان برای روزهٔ فردای آن نیت کند. بهتر است که شب اول ماه رمضان هم نیت روزهٔ همه ماه را بنماید.

چهارم: وقت نیت روزهٔ ماه رمضان و نذری که برای روز معین واجب شده تا طلوع فجر است و تأخیر آن از فجر صادق جایز نیست؛ اما برای سایر روزه‌های واجب، مکلف تا زوال فرصت نیت دارد. نیت در روزه‌های مستحبی تا وقتی صحیح است که مقداری از روز باقی باشد که بتواند نیت کند.

پنجم: کسی که پیش از اذان صبح بدون نیت روزه خوابیده است، اگر پیش از ظهر بیدار شود و نیت کند، روزهٔ او صحیح است؛ چه روزهٔ او واجب باشد چه مستحب؛ اما اگر بعد از ظهر بیدار شود، نمی‌تواند نیت روزهٔ واجب نماید.

ششم: اگر مکلف بخواهد روزهٔ دیگری غیر از روزهٔ رمضان بگیرد، باید آن را معین نماید؛ طور مثال نیت کند که روزهٔ قضا یا روزهٔ نذر می‌گیرم؛ ولی در ماه رمضان لازم نیست نیت




کند که روزۀ ماه رمضان می گیرم.

هفتم: روزی را که انسان شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان، واجب نیست روزه بگیرد.

هشتم: طور مثال اگر به نیت روز اول ماه روزه بگیرد، بعد بفهمد دوم یا سوم بوده، روزۀ او صحیح است.

نهم: اگر پیش از اذان صبح نیت کند و بیهوش شود و در بین روز به هوش آید، باید روزۀ آن روز را تمام نماید و اگر تمام نکرد، قضای آن را بجا آورد.

دهم: اگر پیش از اذان صبح نیت کند و مست شود و در بین روز به هوش آید، احتیاط واجب آن است که روزۀ آن روز را تمام کند و قضای آن را هم بجا آورد.

یازدهم: اگر پیش از اذان صبح نیت کند و بخوابد و بعد از مغرب بیدار شود، روزه‌اش صحیح است.

دوازدهم: اگر مریض پیش از ظهر ماه رمضان خوب شود و از اذان صبح تا آن وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، باید نیت روزه کند و آن روز را روزه بگیرد؛ اما اگر بعد از ظهر خوب شود، روزۀ آن روز بر او واجب نیست.

سیزدهم: کسی که روزۀ قضا یا روزۀ واجب دیگری دارد، نمی‌تواند روزۀ مستحبی بگیرد؛

فعالیت

چهار نفر از شاگردان، چهار حکم از احکام بیان‌شده را به زبان خود بیان کنند.

ارزیابی

۱- برای صحت روزه چگونه نیتی معتبر است؟

۲- نیت در روزه‌های مستحبی چگونه است؟

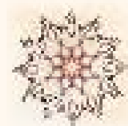
۳- اگر کسی پیش از اذان صبح نیت روزه کند و بیهوش یا مست شود، حکم روزۀ او چیست؟



کار خانه‌گی

شاگردان، سه حکم از احکام روزه را با استفاده از توضیح‌المسائل یکی از مراجع تقلید زنده، در کتابچۀ خود بنویسند.






درس پانزدهم

انواع روزه‌ها

هدف: آشنایی با انواع روزه

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید که روزه در چه مواردی واجب می‌شود؟

۲- آیا می‌دانید که روزه در چه روزهایی حرام است؟

روزه نیز مثل دیگر موارد احکام شرعی می‌تواند واجب، حرام، مستحب یا مکروه باشد. ما در این درس با انواع روزه بر اساس حکمی که دارند، آشنا می‌شویم.

روزه‌های واجب

۱- روزهٔ ماه مبارک رمضان

۲- روزهٔ کفاره

۳- روزهٔ قضا

۴- روزهٔ عوض خونی که در حج تمتع ریخته باشد

۵- روزهٔ روز سوم یا ششم یا نهم از ایام اعتکاف

۶- روزهٔ نذر، عهد و قسم

۷- روزهٔ قضای پدر بر پسر بزرگ بعد از مرگ پدر

روزه‌های حرام

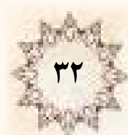
۱- روزهٔ عید فطر

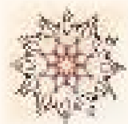
۲- روزهٔ عید قربان

۳- روزهٔ روزی را که انسان نمی‌داند آخر شعبان یا اول رمضان است، به نیت اول رمضان

روزه‌های مکروه

۱- روزهٔ روز عاشورا







۲- روزهٔ روزی که انسان شک دارد عرفه است یا عید قربان

روزه‌های مستحب[1]

۱- پنجشنبه اول و پنجشنبه آخر ماه و چهارشنبه اولی که بعد از روز دهم ماه است

۲- سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه

۳- تمام ماه رجب و شعبان

۴- روز عید نوروز

۵- روز بیست و پنجم و بیست و نهم ذی‌القعده

۶- روز اول تا روز نهم ذی‌الحجه

۷- روز عید سعید غدیر (۱۸ ذی‌الحجه)

۸- روز اول و سوم محرم

۹- میلاد مسعود پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم

۱۰- روز مبعث حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم

فعالیت

شاگردان، به صورت جمعی، انواع روزه را تکرار کنند.

ارزیابی

۱- روزه‌های واجب کدام‌اند؟

۲- روزهٔ قضای پدر برچه کسی واجب است؟

۳- روزه‌های مستحب کدام‌اند؟

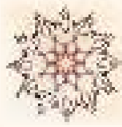


کار خانه‌گی

شاگردان، روزه‌های واجب و حرام را حفظ نمایند.

۱- روزهٔ تمام روزهای سال غیر از روزهای حرام و مکروه مستحب است؛ اما آن روزهایی که بیشتر سفارش شده است را ما، در اینجا ذکر کرده ایم.






درس شانزدهم

فواید روزه

هدف: آشنایی با فواید روزه

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید روزه چه فوایدی دارد؟

۲- آیا مقصود از روزه، تنها خودداری از خوردن و آشامیدن است؟

روزه یکی از احکام انسان‌ساز اسلام است که آگاهی از تمام فواید آن، همچون سایر احکام الهی، برای انسان عادی ممکن نیست. دانش محدود بشر نمی‌تواند راه‌گشای همهٔ اسرار نهفته در احکام الهی باشد؛ البته شاید روزی دانش انسان به حدی از کمال برسد که دریچهٔ تازه‌ای بر روی بشر بگشاید و حکمت‌ها و دستورهای اسلام را باز شناسد.

آنچه را من و شما اکنون می‌دانیم این است که روزه دارای دو نوع فایده است که هر نوع آن موارد زیادی را شامل می‌شود. حال در این درس با برخی از آن موارد آشنا می‌شویم:

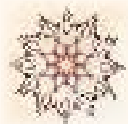
الف) آثار معنوی

۱- علم و حکمت: یکی از آثار روزه رسیدن به علم و حکمت است. در روایت است که پیامبر خدا ﷺ به خداوند متعال عرضه داشتند: «یَا رَبِّ مَا مِیرَاثُ الْجُوعِ قَالَ الحِكْمَةُ؛ یعنی اثر گرسنه‌گی چیست؟ خداوند متعال فرمود: حکمت».[1]

۲- تقرب به خداوند متعال: پیامبر خدا ﷺ به خداوند متعال عرضه داشتند: اثر گرسنه‌گی چیست؟ خداوند متعال فرمود:... و تقرب به سوی من... ای احمد! آیا می‌دانی در کدام وقت بنده به خدا نزدیک می‌شود؟ پیامبر ﷺ فرمودند: پروردگارا، خیر! خداوند متعال فرمود: زمانی که یا گرسنه باشد و یا در حال سجده.[2]

۱- إرشادالقلوب؛ ج۱، ص۲۰۰ - بحارالأنوار؛ ج۷۴، ص ۲۱.

۲- همان.




۳- توجه نسبت به حال فقرا: یکی از آثار مهم معنوی و در عین حال اجتماعی روزه و گرسنه گی ناشی از آن، توجه پیدا کردن به حال فقرا و مستمندان است. هشام بن حکم گفت: از امام صادق علیه‌السلام راجع به علّت روزه سؤال کردم؟ حضرت فرمودند: علّت تشریع روزه و وجوب آن این است که به واسطهٔ آن فقیر و غنی با هم مساوی می‌شوند.[۱]

ب) آثار مادی

۱- صحت جسم: در طب این مطلب ثابت شده است که سبب بسیاری از بیماری‌ها پُرخوری است و از طرف دیگر، متعادل‌ساختن خوراک، راه حل بسیاری از مشکلات جسمی است. بدن برای آن‌که آنچه را که دریافت نموده است به درستی هضم نموده و مواد انباشته را به سوخت برساند، به فرصتی نیاز دارد که در آن فرصت، دریافتی نداشته باشد.

۲- زیبایی: یکی دیگر از آثار کنترول غذا و سیر نخوردن زیبایی و شادابی پوست است.

۳- تقویت حافظه: تقویت حافظه را نیز می‌توان یکی دیگر از آثار گرسنه گی مثبت و روزه‌داری دانست.

فعالیت

شاگردان، درس را در گروه‌ها با هم مباحثه کنند.

ارزیابی

۱- روزه چند نوع فایده دارد؟

۲- فایده‌های معنوی روزه کدام‌اند؟

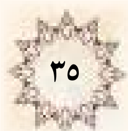
۳- فایده‌های مادی روزه کدام‌اند؟

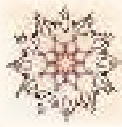


کار خانه گی

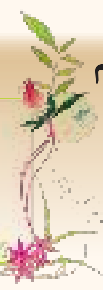
شاگردان، با همکاری والدین و با استفاده از کتاب‌های اخلاق و احکام، دو مورد دیگر از فواید روزه را در کتابچه‌های خود بنویسند و با همصنفان خود شریک کنند.

۱- وسائل الشیعة؛ ج ۱۰، ص ۷.






درس هفدهم



مبطلات روزه

هدف: شناخت مبطلات روزه و برخی از احکام آن

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید چه چیزهایی روزه را باطل می‌کند؟

۲- به نظر شما، معنای مبطلات روزه چیست؟

مبطلات روزه به کارهایی گفته می‌شود که انجام دادن عمدی آن‌ها روزه را باطل می‌کند. برخی از مهم‌ترین مبطلات روزه عبارت‌اند از:

۱- خوردن و آشامیدن: مطلق خوردن و آشامیدن اگرچه کم باشد، حتی خوردن آنچه بین دندان‌ها باقی مانده و خوردن آنچه غیر متعارف است؛ مانند خاک و ریگ، روزه را باطل می‌کند.

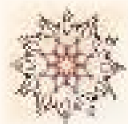
یادآوری: جویدن غذا برای بچه یا پرنده و چشیدن غذا و مانند این‌ها روزه را باطل نمی‌کند.

۲- دروغ بستن به خدا، پیامبر و امامان: دروغ بستن به خدا، پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام و نیز دیگر پیامبران علیهم‌السلام روزه را باطل می‌کند؛ چه آن دروغ در بارهٔ احکام و حلال و حرام باشد یا در مورد داستان‌ها و مواعظ ایشان باشد.

یادآوری: اگر چیزی را به اعتقاد این که راست است، از قول خدا جلّ‌جلاله یا پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کند و بعد بفهمد دروغ بوده، روزه‌اش را باطل نمی‌کند.

۳- رساندن غبار غلیظ به حلق: رساندن غبار غلیظ به حلق که اجزای خاکی آن آشکار است، روزه را باطل می‌کند؛ ولی اگر اجزای آن آشکار نباشد، مانعی ندارد. روزه‌دار باید بخار غلیظ، دود سیگار و تنباکو و مانند این‌ها را هم به حلق نرساند.

۴- فرو بردن تمام سر در آب: فرو بردن تمام سر، به طور یک دفعه یا تدریجی، در آب روزه




را باطل می‌کند، اگرچه باقی بدن از آب بیرون باشد.

یادآوری: اگر کسی خود را زیر دوش (شاور) آب یا ناودان و مانند این‌ها بشوید، اگرچه آب تمام سرش را فراگیرد، چنانچه فرو بردن سر زیر آب صدق نکند، روزه باطل نمی‌شود ولی اگر سر یا تمام بدن را زیر نهر یا آبشاری که از بالا به پایین جریان دارد فرو برد، روزه‌اش باطل می‌شود.

۵- اماله کردن با چیزهای مایع: اماله کردن با چیز روان در مخرج متعارف روزه را باطل می‌کند؛ ولی اگر جامد باشد، مانعی ندارد.

۶- قی کردن: قی کردن عمدی روزه ر ا باطل می‌کند؛ بنابراین، اگر روزه‌دار بتواند از قی کردن خودداری کند، چنانچه برای او ضرر و مشقت نداشته باشد، باید خودداری کند.

یادآوری: اگر روزه‌دار یکی از کارهای بالا را از روی سهو انجام دهد، روزه‌اش باطل نمی‌شود و باید روزهٔ خود را ادامه دهد.

فعالیت

شاگردان، در گروه‌ها در بارهٔ مبطلات روزه بحث کنند.

ارزیابی

۱- مبطلات روزه کدام‌اند؟

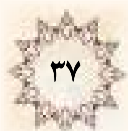
۲- اگر کسی سهواً چیزی بخورد، باید چه کار کند؟

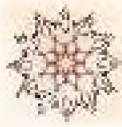
۳- اگر روزه‌داری سرش از آب بیرون باشد و بقیه بدنش در آب فرو رود، روزه‌اش چه حکم دارد؟



کار خانه‌گی

شاگردان، درس را در کتابچهٔ خود نوشته و عناوین مبطلات را حفظ نمایند.





درس هجدهم

مواردی که می‌توان روزه را افطار نمود

هدف: شناخت مواردی که می‌شود روزه را افطار کرد

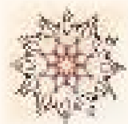
پرسش‌ها

۱- به نظر شما، روزهٔ مسافر در ماه رمضان درست است؟

۲- آیا انسان مکلف می‌تواند در ماه رمضان روزه نگیرد؟

آن‌گونه که پیشتر خواندیم، روزه از فروع دین اسلام است. این عبادت با توجه به آثار اجتماعی، فردی، معنوی و مادی بسیاری که دارد بر همهٔ مسلمانان واجب شده است؛ اما از آن‌روی که اسلام دین ساده‌گی و آسانی است، خدای متعال در مواردی، مسلمانان را اجازه داده است که روزهٔ ماه رمضان را نگیرند و عوض و قضای آن را در زمان دیگر به انجام رسانند.

خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: ﴿يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيامُ كَما كُتِبَ عَلَى الَّذينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ* أَيَّاماً مَعْدُوداتٍ فَمَنْ كانَ مِنْكُمْ مَريضاً أَوْ عَلى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَ عَلَى الَّذينَ يُطيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعامُ مِسْكينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَ أَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ* شَهْرُ رَمَضانَ الَّذي أُنْزِلَ فيهِ الْقُرْآنُ هُدىً لِلنَّاسِ وَ بَيِّناتٍ مِنَ الْهُدى وَ الْفُرْقانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كانَ مَريضاً أَوْ عَلى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُريدُ اللهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لايُريدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لِتُكَبِّرُوا اللهَ عَلى ما هَداكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما مقرر شده است، همان‌گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود، باشد که پرهیزگاری کنید. [روزه در] روزهای معینی [بر شما مقرر شده است]. [ولی] هرکس از شما بیمار یا در سفر باشد، [به همان شماره] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]، و بر کسانی که [روزه] طاقت‌فرسا ست، کفاره‌ای است که خوراک دادن به بینوایی است. و... پس هرکس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد و کسی که بیمار یا در سفر است [باید به شمارهٔ آن،] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]. خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما




دشواری نمی‌خواهد...[1]

در این درس با این موارد آشنا می‌شویم:

۱- اگر کسی مریض باشد و روزه گرفتن برای او ضرر داشته باشد، نباید روزه بگیرد.

۲- کسی که به سفر می‌رود و رفت و برگشت او به اندازهٔ هشت فرسنگ (در حدود ۴۳ کیلومتر) باشد، باید روزهٔ خود را افطار نماید.

۳- مادری که به طفل خود شیر می‌دهد، اگر روزه گرفتن برای خود او یا طفلش ضرر داشته باشد، نباید روزه بگیرد.

۴- اگر انسان به اندازه‌یی پیر شده باشد که روزه گرفتن برایش دشوار باشد، می‌تواند روزهٔ خود را افطار نماید.

تذکر: غیر از مورد اخیر، در موارد دیگر باید مکلف بعداً روزهٔ خود را قضا نماید؛ یعنی وقتی عذر برطرف شد، روزه بگیرد.

فعالیت

شاگردان، در گروه‌های سه نفری در بارهٔ عذرهای شرعی که سبب می‌شود انسان روزهٔ خود را افطار کند، بحث نمایند.

ارزیابی

۱. آیا می‌توانید بگویید که مسافر در چه صورت می‌تواند روزه را افطار نماید؟

۲. مادر در چه صورتی باید روزهٔ خود را افطار کند؟

۳. کدام مریض می‌تواند روزه نگیرد؟

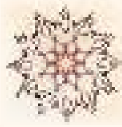


کار خانه‌گی

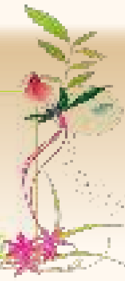
شاگردان، ترجمهٔ آیات شریفه را، به صورت کامل، یک‌بار در کتابچه‌های خود بنویسند.

۱- بقره/ ۱۸۳ تا ۱۸۵. (ترجمه فولادوند)





درس نزدهم



روزهٔ قضا و احکام آن

هدف: شناخت کیفیت مواردی که فقط قضای روزه واجب است و احکام روزه قضا

پرسش‌ها

۱- آیا شما می‌دانید در چه مواردی فقط قضای روزه واجب است؟

۲- آیا شما احکام قضای روزه را می‌دانید؟

همان‌طور که در درس پیش خواندیم، مسلمان مکلف به دلیل داشتن عذر شرعی، می‌تواند در ماه رمضان روزه نگیرد و آن را افطار کند؛ اما بعد از برطرف شدن عذر، باید قضای آن را در روزهای دیگر بگیرد.

کسی که روزهٔ خود را در ماه رمضان نگرفته است، بعد از رمضان دو گونه وظیفه می‌تواند داشته باشد: ۱- فقط باید قضای روزه را بگیرد. ۲- هم باید قضا را بگیرد و هم کفارهٔ آن را باید بدهد.

برخی از مواردی که فقط قضای روزه واجب است، قرار زیر است:

۱- روزه‌دار در روز ماه رمضان به صورت عمدی قی کند.

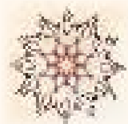
۲- عملی که روزه را باطل می کند بجا نیاورد؛ ولی نیت روزه نکند یا ریا کند و یا قصد که روزه نباشد.

۳- آن‌که در ماه رمضان بدون این‌که تحقیق کند صبح شده یا نه، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد و بعد معلوم شود صبح بوده است.

۴- آن‌که کسی بگوید صبح نشده و انسان به گفتهٔ او کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد و بعد معلوم شود صبح بوده است.

۵- آن‌که کسی بگوید صبح شده و انسان به گفتهٔ او یقین نکند یا خیال کند شوخی می‌کند و کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد و بعد معلوم شود صبح بوده است.

۶- آن‌که کور یا مانند او باشد و به گفتهٔ کسی دیگر افطار کند و بعد معلوم شود مغرب نبوده




است.

۷- آن‌که در هوای صاف به واسطهٔ تاریکی یقین کند که مغرب شده و افطار کند و بعد معلوم شود مغرب نبوده است.

۸- آن‌که برای خنک (سرد) شدن یا بی‌جهت مضمضه کند؛ یعنی آب در دهان خود بگرداند و بی‌اختیار آب در حلقش فرو رود.

احکام روزهٔ قضا

۱- مستحب است در گرفتن روزهٔ قضایی عجله شود تا پیش از رسیدن ماه رمضان سال دیگر، قضایی روزه را بگیرد.

۲- اگر به واسطهٔ مرضی روزهٔ رمضان را نگیرد و مرض او تا رمضان سال بعد طول بکشد، قضای روزه‌هایی را که نگرفته بر او واجب نیست و باید برای هر روز یک مُد (تقریباً ۷۵۰ گرم) طعام؛ یعنی گندم یا جَو و مانند این‌ها، به فقیر بدهد؛ ولی اگر به واسطهٔ عذر دیگری به طور مثال برای مسافرت روزه نگرفته و عذر او تا رمضان بعد باقی بماند، روزه‌هایی را که نگرفته است باید قضا کند.

۳- اگر قضای روزهٔ رمضان را چند سال تأخیر بیاندازد، باید قضا را بگیرد و برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد.

فعالیت

شاگردان، دو نفری در بارهٔ مواردی که قضای روزه واجب می‌شود، با یکدیگر سؤال و جواب نمایند.

ارزیابی

۱- در کدام موارد فقط قضا واجب می‌شود؟

۲- وظیفهٔ کسی که در ماه رمضان روزه نگرفته است، چیست؟

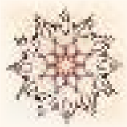
۳- وظیفهٔ کسی که چند سال روزهٔ رمضان را به تأخیر اندازد، چیست؟



کار خانه‌گی

شاگردان، درس را در حد پنج سطر خلاصه نموده و در کتابچه‌های خود بنویسند.






درس بیستم

اقسام و موارد کفارهٔ روزه

هدف: اقسام و موارد کفارهٔ روزه

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید که در کدام موارد قضا و کفاره با هم واجب است؟

۲- آیا می‌دانید کفارهٔ روزه بر چند قسم است؟

۰۳ آیا می‌دانید کفارهٔ روزه چیست؟

کفّاره بعضی کارهای خاصی است که انسان مسلمان به دلیل عمل نکردن به تکلیف شرعی خود به طور عمدی و اختیاری باید آن را انجام دهد؛ مثل إطعام (طعام دادن) شصت فقیر برای کسی که بدون عذر شرعی یک روز روزهٔ ماه رمضان را بخورد؛ بنابراین، کفاره در حقیقت جبران تکلیف ترک شده است.

کفارهٔ روزه عبارت است از: ۱- آزاد کردن یک انسان برده، ۲- گرفتن دو ماه روزه که ۳۱ روز آن باید پیوسته باشد، ۳- سیر کردن شصت فقیر یا دادن یک مُد (حدود ۷۵۰ گرم) گندم، برنج، خرما و... به او.

کفارهٔ روزه بر دو قسم است:

الف) کفارهٔ جمع؛ یعنی مکلف هر سه مورد فوق را با هم باید انجام دهد. برخی از موارد کفارهٔ جمع قرار زیر است:

۱- اگر روزه‌دار روزهٔ خود را به چیزی حرامی باطل کند.

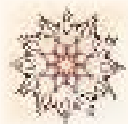
۲- اگر روزه‌دار به خدا و پیغمبر دروغ ببندد.

۳- اگر روزه‌دار آروغ بزند و موقع آروغ زدن خون یا غذایی که از صورت غذا بودن خارج شده به دهان او بیاید و به طور عمدی آن را فرود برد.

ب) یک کفاره؛ یعنی مکلف فقط یکی از سه مورد کفاره را باید انجام دهد، که اکنون با برخی از موارد این قسم آشنا می‌شویم:

۱. اگر روزه‌دار در یک روز ماه رمضان چند مرتبه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد.






۲- اگر روزه‌دار کاری که حلال است و روزه را باطل می‌کند انجام دهد؛ به طور مثال: آب بیاشامد و بعد کار دیگری که حرام است و روزه را باطل می‌کند انجام دهد؛ به طور مثال: غذای حرامی را بخورد.

۳- اگر نذر کند که روز معینی را روزه بگیرد، چنانچه به طور عمدی در آن روز، روزهٔ خود را باطل کند.

چند حکم

۱- بجا آوردن کفاره زمان محدودی نداشته و واجب فوری نیست و مکلف می‌تواند انجام آن را به تأخیر اندازد؛ ولی کوتاهی و سهل‌انگاری در انجام آن نیز جایز نیست.

۲- کفارهٔ اطعام را باید به شصت فقیر بدهد و نمی‌تواند یک نفر را دو بار یا بیشتر سیر نماید یا دو مُد یا بیشتر به او بدهد.

۳- در دادن کفاره فرقی بین فرد کوچک و بزرگ نیست و باید به طور مساوی به هرکدام یک مُد طعام داد.

فعالیت

شاگردان، در گروه‌ها درس را مباحثه کنند.

ارزیابی

۱- کفاره چیست؟

۲- کفارهٔ روزه چیست؟

۳- کفارهٔ جمع در چه مواردی واجب است؟

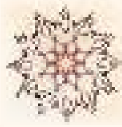
۴- یک کفاره در کدام موارد باید انجام شود؟



کار خانه‌گی

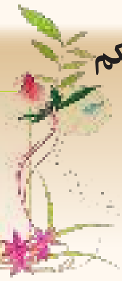
شاگردان، با همکاری والدین و با مراجعه به توضیح‌المسائل مرجَع تقلید خود، سه مورد دیگر از احکام کفارهٔ روزه را در کتابچهٔ خود بنویسند.







درس بیست و یکم



زکات فطر و احکام آن

هدف: آشنایی با زکات فطر و برخی از احکام آن

پرسش‌ها

۱- آیا شما می‌دانید زکات فطر چیست؟

۲- آیا احکام زکات فطر را می‌دانید؟

رمضان ماه پاکسازی و روزه پاک‌کنندهٔ انسان روزه دار از انواع پلیدی‌ها است. برای این‌که پاکی به صورت کامل انجام شود، خدای متعال از بنده‌گانش خواسته است، این عبادت را با پرداخت «زکات فطر» به پایان رسانند.

زکات فطر، یعنی «دادن یک صاع تقریباً (سه کیلوگرام) گندم، برنج، جو، خرما، کشمش و... یا قیمت آن‌ها بابت هر فرد خانواده به فقیر.»

از شرایط وجوب زکات فطر بلوغ و بی‌نیازی هنگام غروب شب عید فطر است؛ بنابراین زکات فطر، بر کودک و فقیر واجب نیست.

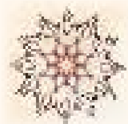
کسی که شرایط ذکر شده را دارا باشد باید زکات فطر خودش و کسانی که نان‌خور او استند را بدهد؛ چه نان‌خور او واجب‌النفقهٔ او باشد یا نباشد، نزدیک باشد یا دور، مسلمان باشد یا کافر، کوچک باشد یا بزرگ.

برخی از احکام زکات فطر

۱- کسی که زکات فطرش بر دیگری واجب است از خودش ساقط است؛ اما اگر دیگری فطره را نپردازد، باید خودش بپردازد.

۲- زمان خارج کردن (جدا کردن) زکات فطر از طلوع فجر روز عید تا وقت نماز عید است و تأخیر آن تا بعد از نماز جایز نیست.

۳- بعد از کنار گذاشتن زکات فطر، عوض کردن آن جایز نیست.




۴- با بودن مستحق، انتقال زکات فطر به شهر دیگر جایز نیست.

۵- مستحب است که در پرداخت زکات فطر، خویشاوندان را مقدم کند و بعد همسایه‌گان را شایسته است که اهل علم و دین و فضیلت را بر غیر ایشان ترجیح بدهد.

۶- مستحب است که فقیر زکات فطر بدهد و اگر فقط یک صاع داشته باشد، آن را به یکی از خانواده‌اش صدقه دهد و سپس آن را بین آنان دست به دست بگرداند و بعد از آن، به فقیر دیگر غیر از خانواده صدقه بدهد.

۷- باید در جنس زکات فطر یکی از دو چیز رعایت شود؛ یا از غذای غالب شهر باشد؛ مانند برنج، گندم، یا از گندم، جو، خرما و کشمش باشد.

فعالیت

شاگردان، در گروه‌ها در بارۀ احکام زکات فطر مباحثه کنند.

ارزیابی

۱- اگر در خانۀ شما هفت نفر باشند، چند کیلو باید زکات فطر بپردازید؟

۲- جنس زکات فطر چه چیزی باید باشد؟

۳- شرایط وجوب زکات فطر چیست؟

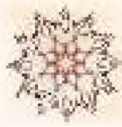
۴- زکات فطر چیست؟



کار خانه‌گی

شاگردان، مهم‌ترین بحث‌های درس را در حد پنج سطر خلاصه کنند.






درس بیست و دوّم

اعتکاف

هدف: آشنایی با اعتکاف

پرسش‌ها

۱- آیا شما می‌دانید اعتکاف چیست؟

۲- آیا شما تا کنون اعتکاف کرده‌اید؟

انسان یک موجود اجتماعی است. زنده گی اجتماعی و به خصوص زنده گی شهری، مشکلات و آسیب‌هایی دارد. یکی از آسیب‌های زنده گی شهری، غرق شدن انسان در مادیات دنیا است. برخی از انسان‌ها در گذشته، برای رهایی و نجات یافتن از این آسیب‌ها، زنده گی شهری و جمعی را به صورت کامل ترک می‌کردند و به غاری پناه می‌بردند و به تفکر و عبادت می‌پرداختند.

دین مبین اسلام، از یک‌سو گوشه‌نشینی و ترک زندگی اجتماعی را نهی کرده و پیامبر بزرگوار این دین فرموده است: «خداوند مرا برای رهبانیت و ریاضت نفرستاده است، مرا برای شریعت فطری و آسان فرستاده است».[۱] اما از سوی دیگر، فرصتی فراهم کرده است که انسان در یک فضای آرام، به خود و خدای خود بیندیشد و راه خود را مستقل از جمع و غوغای اجتماع جستجو کند و به مقصد اصلی زنده گی خود فکر نماید.

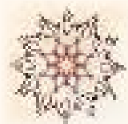
نام این فرصت الهی و معنوی، «اعتکاف» است. اعتکاف عبارت است از: «ماندن در مسجد به نیت تقرب و نزدیکی به خداوند متعال». این «ماندن» به تنهایی عبادت است و اگر با دعا، نماز و خواندن قرآن همراه شود که ثواب چند برابر می‌شود.

برای صحت اعتکاف افزون بر عقل و ایمان چند شرط دیگر نیز لازم است:

۱- نیت تقرب: متعکف (اعتکاف کننده) از ابتدای اعتکاف باید نیت نزدیکی به خداوند

۱- فروع الکافی، جلد ۲، ص ۵۶ و ۵۷.






متعال را داشته باشد.

۲- روزه گرفتن: معتکف می‌تواند در اعتکاف، روزۀ قضای ماه رمضان یا روزۀ کفاره یا روزۀ مستحبی بگیرد؛ از این جهت مسافری که نمی‌تواند روزه بگیرد، نمی‌تواند معتکف شود.

۳- اعتکاف نباید کمتر از سه روز باشد؛ ولی بیشتر از آن صحیح است.

۴- اعتکاف باید در مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد کوفه، مسجد بصره یا مسجد جامع شهر انجام شود؛ از این جهت در مسجد محل، خانه یا غار و... نمی‌شود اعتکاف کرد.

۵- زن می‌تواند بدون اجازۀ شوهرش اعتکاف کند؛ مگر زمانی که اعتکاف با حق شوهر منافات داشته باشد.

۶- در مسجدی که اعتکاف کرده، باید باقی بماند و اگر بی‌جهت از مسجد خارج شود، اعتکاف باطل می‌شود.

برخی از مواردی که معتکف می‌تواند برای انجام آن‌ها از مسجد خارج شود:

۱- برای عیادت بیمار یا درمان او

۲- برای غسل واجب

۳- برای تشییع، نماز، کفن و دفن جنازۀ مؤمن

۴- برای انجام دادن کار خود یا مؤمن دیگر یا درمان بیماری خود

فعالیت

شاگردان، در مورد اعتکاف و ضرورت آن بحث کنند.

ارزیابی

۱- اسلام چه کاری را به جای رهبانیت و گوشه‌نشینی قرار داده است؟

۲- به نظر شما، چه فرقی بین رهبانیت و اعتکاف وجود دارد؟

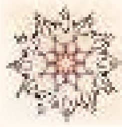
۳- شرایط صحت اعتکاف کدام‌اند؟



کار خانه‌گی

شاگردان، با کمک امام مسجد و والدین سه سطر در بارۀ اعتکاف و ضرورت آن بنویسند.






درس بیست و سوّم

زکات

هدف: آشنایی با احکام زکات و چیزهایی که زکات به آن‌ها تعلق می‌گیرد

پرسش‌ها

۱- آیا معنای زکات را می‌دانید؟

۲- آیا می‌دانید که زکات به چه چیزهایی تعلق می‌گیرد؟

۳- به نظر شما، آیا دین اسلام به مسایل اقتصادی هم توجه کرده است؟

دین مبین اسلام آیینی است که بر مبنای عدل بنا شده و برای عدالت اجتماعی و اقتصادی نیز ارزش بسیار قایل است. خداوند متعال به عنوان شارع این دین، راهکارهایی را برای تحقق این‌گونه از عدالت سنجیده و به مردم اعلام کرده است و زکات بخشی از همین راهکار است.

خداوند متعال فرموده است: «به راستی که مؤمنان رستگار شدند؛ آنان که در نمازشان فروتن‌اند و آنان که از کارهای بیهوده روی گردانند و آنان‌که زکات می‌پردازند».[1] با توجه به این آیات، پرداخت زکات در کنار فروتنی در نماز و دوری از کارهای بیهوده و بی‌فایده به عنوان نشانه‌های ایمان بیان شده است.

«زکات» در لغت به دو معنا آمده است: یکی رشد و نموّ و دیگری پاکی. در اصطلاح فقها به سهمی اطلاق می‌شود که انسان مؤمن از مال خود بیرون نموده و به فقرا می‌دهد.

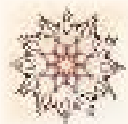
خداوند متعال در قرآن کریم به دادن زکات تأکید زیادی نموده و همواره آن را در کنار نماز یاد کرده است که نشانهٔ اهمیت آن است.

پس از دانستن معنای زکات، خوب است چند سؤال را به صورت مختصر جواب داده و چند مسأله را در این رابطه بدانیم.

۱- زکات بر چه کسانی واجب است؟

۱- مؤمنون/ ۱ تا ۴.






زکات بر کسی واجب است که دارای شرایط زیر باشد:

۱) مسلمان باشد، ۲) بالغ باشد، ۳) عاقل باشد، ۴) توانایی تصرف در مال را داشته باشد، ۵) مالش به حد نصاب رسیده باشد.







۲- زکات به چه چیزهایی تعلق می گیرد؟

در موارد زیر زکات واجب است:

اول: شتر، گاو و گوسفند

دوم: گندم، جو، خرما و کشمش

سوم: طلا و نقره

۳- چه زمانی زکات اموال واجب می‌شود؟

زکات زمانی واجب می‌شود که اموال یادشده به حد نصاب برسد؛ یعنی به یک اندازۀ معینی که در کتاب‌های فقهی آمده است، برسد؛ به عنوان مثال: کسی که یک یا دو شتر دارد، زکات بر او واجب نیست؛ ولی وقتی پنج شتر داشت، باید یک گوسفند زکات بدهد.

فعالیت

شاگردان، با هم در گروه‌ها درس را به بحث بگیرند.

ارزیابی

۱- بر چه کسانی زکات واجب است؟

۲- زکات به چه چیزهایی تعلق می گیرد؟

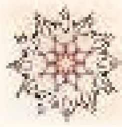
۳- چه زمانی زکات اموال واجب می‌شود؟



کار خانه‌گی

شاگردان، با استفاده از قرآن ترجمه‌دار، معنای آیات شریفه را در کتابچه‌های خود بنویسند.






درس بیست و چهارم

موارد مصرف زکات

هدف: آشنایی با موارد مصرف زکات

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید زکات به چه کسی پرداخت می‌شود؟

۲- آیا فرق مسکین و فقیر را می‌دانید؟

همان‌گونه که در درس پیش یاد گرفتیم، خداوند متعال زکات را برای به‌وجود آوردن عدالت اجتماعی و رفع نیاز نیازمندان و همین‌طور ادامهٔ کار حکومت عدل اسلامی واجب کرده است.

حال در این درس می‌خواهیم به صورت مشخص موارد مصرف زکات را بدانیم.

خدای متعال در قرآن کریم در این باره فرموده است: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقاتُ لِلْفُقَراءِ وَ الْمَساكينِ وَ الْعامِلينَ عَلَيْها وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقابِ وَ الْغارِمينَ وَ في سَبيلِ اللهِ وَ ابْنِ السَّبيلِ فَريضَةً مِنَ اللهِ وَ اللهُ عَليمٌ حَكيمٌ﴾ صدقات، تنها به تهی‌دستان و بینوایان و متصدّیان [گردآوری و پخش] آن، و کسانی که دل‌شان به دست آورده می‌شود، و در [راه آزادی] برده گان، و قرض‌داران و در راه خدا و به در راه مانده، اختصاص دارد. [این] به عنوان فریضه از جانب خداست، و خدا دانای حکیم است.[۱]

مفسرین و فقها مسلمان گفته‌اند آیهٔ مورد بحث موارد مصرف زکات را بیان کرده و آن را در هشت مورد زیر خلاصه می‌کند:

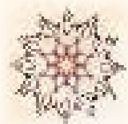
۱- فقرا؛ یعنی کسانی که مخارج سالیانهٔ خود و خانوادهٔ خود را ندارند.

۲- مساکین؛ یعنی کسانی که هیچ مالی ندارند و وضع مالی آنان از فقرا بدتر است.

۳- عاملین زکات؛ یعنی کسانی که برای جمع‌آوری، نگهداری و حسابرسی زکات کار می‌کنند.

۱- توبه/ ۶۰.






۴- کفاری که با دادن مال به آن‌ها می‌توان آن‌ها را به اسلام متمایل ساخت و یا مسلمانان ضعیف‌العقیده که با دادن مال در اسلام باقی می‌مانند.

۵- برده‌هایی که با مالک خود قرارداد کرده‌اند که مبلغی را بپردازند و آزاد شوند؛ ولی پول ندارند.

۶- قرض‌دارانی که توان پرداخت قرض خود را ندارند

۷- کارهای خیریه، مانند ساختن پل، راه، مکتب و مانند این‌ها

۸- ابن سبیل؛ یعنی کسی که در مسافرت و دور از وطن پول خود را تمام کرده و توانایی قرض کردن را نیز ندارد.

نکته: موارد مصرف زکات نشان می‌دهد که اسلام به ریشه‌کن ساختن فقر، رفع نیاز نیازمندان و نیز آزادی انسان سخت باور دارد و برای آن راهکار مناسب را سنجیده است. موارد ۱، ۲، ۵، ۶ و ۸ مصرف زکات در همین راستا تشریع شده است. همین‌طور برای نجات جان انسان‌ها از شر کفر و بی‌دینی نیز فکر کرده است که مورد مصرف ۴ برای این منظور است.

فعالیت

شاگردان، در گروه‌ها موارد مصرف زکات را با هم بحث کنند.

ارزیابی

۱- موارد مصرف زکات کدام‌اند؟

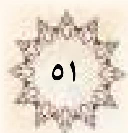
۲- مسکین چه کسی است؟

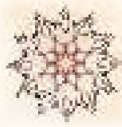
۳- ابن سبیل به چه معنا است؟



کار خانه‌گی

شاگردان، با راهنمایی و همکاری والدین خود در بارۀ مصرف زکات در منطقۀ خود سه سطر بنویسند.






درس بیست و پنجم

خمس

هدف: آشنایی با مفهوم و احکام خمس

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید خمس چیست؟

۲- آیا می‌دانید خمس به چه چیزهایی تعلق می‌گیرد؟

۳- به نظر شما، آیا خمس در قرآن مطرح شده است؟

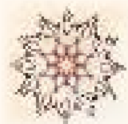
یکی دیگر از منابع مالی که اسلام برای بهتر ساختن نظام اقتصادی جامعهٔ اسلامی شکل داده و بیان کرده است، خمس است.

«خمس» به یک پنجم از درآمدها و استفاده‌هایی گفته می‌شود که انسان از راه‌های گوناگون به دست می‌آورد که باید زیر نظر مجتهد «اعلم» در جاهایی که در شرع اسلام مشخص شده است، به مصرف برسانند.

خداوند متعال در قرآن کریم این مسأله را طرح نموده و فرموده است: ﴿وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلّٰهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبىٰ وَ الْيَتامىٰ وَ الْمَساكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللّٰهِ وَ ما أَنْزَلْنا عَلىٰ عَبْدِنا يَوْمَ الْفُرْقانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعانِ وَ اللّٰهُ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه‌مانده گان است، اگر به خدا و آنچه بر بندهٔ خود در روز جدایی [حقّ از باطل]- روزی که آن دو گروه با هم روبه‌رو شدند- نازل کردیم، ایمان آورده‌اید و خدا بر هر چیزی تواناست.[1]

خمس به هفت چیز تعلق می‌گیرد و واجب می‌شود؛ یعنی باید یک پنجم آن را پرداخت نمود که عبارت‌اند از:

۱- انفال / ۴۱.




۱- درآمدهای تجاری و کسب و کار؛ یعنی هرگاه انسان از راه زراعت، تجارت، صنعت و یا کارهای اقتصادی دیگر درآمدی داشته باشد و از مخارج سالیانۀ خود و کسانی که سرپرستی آن‌ها به عهدۀ اوست، اضافه شود باید یک پنجم آن اضافه را به حیث خمس بپردازد.

۲- معدن؛ یعنی اگر کسی از معادن طلا، نقره، سرب، مس، آهن و... چیزی بیرون کند؛ پس از کم نمودن مخارج بیرون‌آوری، خمس باقیمانده را باید بپردازد.

۳- گنج؛ اگر کسی گنجی پیدا کند باید خمس آن را بدهد.

۴- مال حلال مخلوط به حرام؛ اگر مال حلال به گونه‌یی با حرام مخلوط شود که انسان نتواند آن‌ها را از یکدیگر جدا کند، باید خمس آن را بدهد.

۵- جواهری که توسط غواصی از دریا بیرون آورده می‌شود.

۶- غنیمت جنگی؛ اگر در جنگ با کفار غنیمتی به دست آمد، باید خمس آن را پرداخت نمایند.

۷- زمینی که کافر ذمی (کافری که در تحت حمایت حکومت اسلامی زنده‌گی می‌کند) از مسلمان می‌خرد.

فعالیت

شاگردان، در گروه‌ها در بارۀ آیۀ شریفۀ ذکرشده، بحث کنند.

ارزیابی

۱- خمس به چه چیزهایی تعلق می‌گیرد؟

۲- خمس به «مال حلال مخلوط به حرام» با چه شرطی تعلق می‌گیرد؟

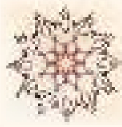
۳- دلیل خمس در قرآن کدام است؟



کار خانه‌گی

شاگردان، هفت موردی را که خمس در آن‌ها واجب می‌شود، در کتابچۀ خود بنویسند.






درس بیست و ششم

موارد مصرف و برخی از احکام خمس

هدف: آشنایی با موارد مصرف و برخی از احکام خمس

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید که خمس در چه مواردی مصرف می‌شود؟

۲- به نظر شما، اگر کسی بدون اجازهٔ مجتهد خمسش را بپردازد، درست است؟

الف) خمس را باید دو قسمت کنند: یک قسمت آن سهم سادات (فرزندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است، که باید با اجازهٔ مجتهد جامع الشرایط به سید فقیر، یا سید یتیم، یا به سیدی که در سفر درمانده شده بدهند. نصف دیگر آن سهم امام علیه‌السلام است که در این زمان (زمانی که امام معصوم علیه‌السلام حضور ندارد) باید به مجتهد جامع‌الشرایط بدهند یا به مصرفی که او اجازه می‌دهد برسانند.

ب) سید یتیمی که به او خمس می‌دهند، باید فقیر باشد؛ ولی به سیدی که در سفر درمانده شده، اگر در وطنش فقیر هم نباشد، می‌شود خمس داد.

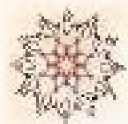
ج) به سیدی که در سفر درمانده شده، اگر سفر او سفر معصیت باشد، نباید خمس بدهند.

د) به سیدی که عادل نیست، می‌شود خمس داد؛ ولی به سیدی که دوازده امامی نیست، نباید خمس بدهند.

هـ) به سیدی که معصیت‌کار است، اگر خمس دادن کمک به معصیت او باشد، نمی‌شود خمس داد.

و) به سیدی هم که آشکارا گناه می‌کند، اگرچه دادن خمس کمک به معصیت او نباشد، نباید خمس بدهند.

ز) کسی که زنش سیده است، نباید به او خمس بدهند که به مصرف مخارج خودش برساند؛ ولی اگر مخارج دیگران بر آن زن واجب باشد و نتواند مخارج آنان را بدهد، جایز است انسان خمس را به آن زن بدهد که به مصرف آنان برساند.




ح) بیشتر از مخارج یک سال به یک سید فقیر خمس ندهند.

ط) اگر کسی با اجازهٔ حاکم شرع خمس را به شهر دیگر ببرد و از بین برود، لازم نیست دوباره خمس بدهد. همچنین است اگر به کسی بدهد که از طرف حاکم شرع وکیل بوده که خمس را بگیرد و از آن شهر به شهر دیگر ببرد.

ی) اگر خمس را از خود مال ندهد و با اجازهٔ حاکم شرع از جنس دیگر بدهد (به طور مثال خمس کالا را پول بدهد)، باید به قیمت واقعی آن جنس را حساب کند و چنانچه گرانتر از قیمت حساب کند، اگرچه مستحق به آن قیمت راضی شده باشد، باید مقداری را که زیاد حساب کرده بدهد.

ک) کسی که بر ذمهٔ مستحق (بر گردن سید نیازمند) قرض دارد و می‌خواهد قرض خود را بابت خمس حساب کند، باید خمس را به او بدهد و بعد مستحق بابت قرض‌داری خود به او برگرداند؛ مگر این‌که حاکم شرع به او اجازه بدهد.

تذکر: خمس‌دهنده در دادن خمس باید نیّت قربت داشته باشد.

فعالیت

شاگردان، در گروه‌های سه نفری تقسیم شده و درس را با هم مباحثه نمایند.

ارزیابی

۱- آیا ما می‌توانیم سهم امام علیه‌السلام را بدون اجازهٔ مجتهد به فقرا بدهیم و یا در موارد دیگری مصرف کنیم؟

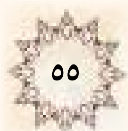
۲- کسی که خمس اموالش را به شهر دیگری ببرد و در بین راه تلف شود، آیا تلف‌کننده ضامن است؟

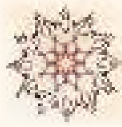
۳- آیا مستحق می‌تواند خمس را بگیرد و جهت ادای دین خود به صاحب مال برگرداند؟



کار خانه‌گی

شاگردان، با همکاری والدین خود در بارهٔ موارد مصرف خمس، پنج سطر بنویسند.






درس بیست و هفتم

حج

هدف: آشنایی با مفهوم، شرایط و اقسام حج



پرسش‌ها

۱- به نظر شما، حج چیست و به چه معنا می‌باشد؟

۲- آیا اقسام حج را می‌دانید؟

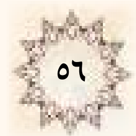
۳- آیا می‌دانید استطاعت چیست؟

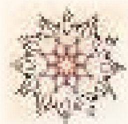
انجام مراسم پُرشکوه حج، همچون عبادات دیگر، دارای برکات و آثار فراوانی برای فرد و اجتماع است؛ به شرطی که مسلمانان آن را طبق برنامهٔ صحیح انجام دهند و از آن به عنوان تفریح و سیر و سیاحت و یا تظاهر و خودنمایی استفاده نکنند. اتحاد و یکپارچه‌گی مسلمانان سراسر جهان یکی از همین آثار است.

حج در لغت به معنای آهنگ و قصد است؛ یعنی در مراسم حج تمام حاجی‌ها از سراسر جهان به قصد خانهٔ خدا، به سوی کعبه، حرکت می‌نمایند و همه لباس سفید یا إحرام می‌پوشند و تمام رنگ‌ها، تبعیض، امتیازات و ویژه‌گی‌های جغرافیایی، زبانی، قومی، نژادی و غیره از میان برداشته می‌شوند و همه با یک قصد و یک آهنگ و یک هدف، راهی بیت‌الله‌الحرام می‌شوند و به طواف خانهٔ خداوند ﷻ می‌پردازند و با انجام اعمال و حرکات هماهنگ و یکسان، وحدت معنوی، سیاسی و حتی هماهنگی ظاهری خویش را نشان می‌دهند.

در یک تقسیم حج بر دو گونه است: الف) واجب و ب) مستحب. حج واجب سه تا است:

۱- حَجَّةالاسلام: حجی است که یک‌بار در عمر بر کسی واجب می‌شود که توانایی حج کردن را از هر جهت پیدا کند.






۲- حج نذری: حجی که بر انسان توسط نذر کردن واجب می‌شود.

۳- حج نیابی: حجی که انسان به عنوان اجیر به نیابت از دیگری بجا می‌آورد.

در تقسیم دیگر حج بر سه قسم است:

۱- حج تمتع: بر کسانی واجب است که وطن‌شان در حدود ۸۸ کیلومتر یا بیشتر با مکه فاصله داشته باشد.

۲- حج اِفراد؛ ۳ حج قِران؛ حجّ «إِفراد» و حجّ «قِران» وظیفهٔ کسانی است که با مکّهٔ معظّمه کم‌تر از ۸۸ کیلومتر فاصله داشته باشند، یا اهل خود مکّهٔ معظّمه باشند. آنان بین این دو قسم حج مخیر استند.

حج در تمام عمر بر کسی که شرایط ذیل را دارا باشد، یک‌بار واجب می‌باشد: ۱- بالغ باشد. ۲- عاقل باشد. ۳- به واسطهٔ رفتن به حج مجبور نشود کار حرامی را که اهمیتش در شرع از حج بیشتر است انجام دهد، یا عمل واجبی را که از حج مهمتر است ترک نماید. ۴- مستطیع باشد.

استطاعت (مستطیع بودن) به این موارد است: ۱- داشتن توشه و خرج راه. ۲- داشتن سلامتی بدن و توان حج کردن. ۳- نبود مانعی از رفتن در راه. ۴- داشتن وقت به اندازهٔ بجا آوردن اعمال حج. ۵- داشتن مخارج عیال و خانواده تا بازگشت از حج. ۶- داشتن کسب یا زراعت و یا درآمدی دیگر برای بعد از بازگشت از حج، تا مجبور نشود به زحمت زنده‌گی کند.

فعالیت

شاگردان، در گروه‌های سه نفری درس را مباحثه کنند.

ارزیابی

۱- حج به چه معنا است؟

۲- حج در تمام عمر بر یک انسان مسلمان چند بار واجب است؟

۳- حج تمتع بر چه کسانی واجب است؟

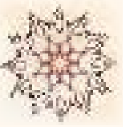
۴- استطاعت به چه معنا است؟



کار خانه‌گی

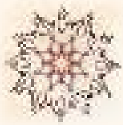
شاگردان، با همکاری والدین خود در بارهٔ فایده‌های حج پنج سطر بنویسند.







فصل سوم
آداب و اخلاق





درس بیست و هشتم

علم در اسلام

هدف: آشنایی با جایگاه علم در اسلام

پرسش‌ها

۱- آیا شما می‌دانید علم در اسلام چه جایگاهی دارد؟

۲- آیا می‌دانید اولین کلمه‌یی از قرآن که بر پیامبر نازل شد، کدام کلمه بود؟

۳- آیا معنای «إقرأ» را می‌دانید؟

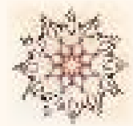
اگر گفته شود دین اسلام، دین دانش و آموزش برای زنده‌گی سعادت‌مندانهٔ دنیوی و اخروی بشر است، سخنی ناحق گفته نشده است. اهمیت علم و دانش در اسلام به اندازه‌یی است که اولین کلمه‌یی که جبرئیل به پیامبر اکرم ﷺ گفت، این بود: «اقرأ؛ یعنی بخوان!»

به طور قطعی یکی از ارزش‌های انسان در آموزه‌های قرآنی به دانش اوست؛ از این‌رو انسان، وقتی انسان شد و شایسته‌گی یافت که فرشته‌ها و ملائک بر او سجده کنند که خداوند متعال به او «أسماء» را تعلیم داد و انسان به این دانش دست یافت.

پیامبر اکرم ﷺ پیروانش را به فراگیری علم و دانش تشویق می‌کرد. کودکان اصحابش را وادار کرد که سواد بیاموزند. برخی از یارانش را فرمان داد زبان سریانی یاد بگیرند. این تأکید و تشویق‌ها در بارهٔ علم سبب شد که مسلمانان با همت و سرعت بی‌نظیری به جستجوی علم در همهٔ جهان پرداختند. آثار علمی را هر کجا یافتند و به دست آوردند، ترجمه کردند. بعد خود به تحقیق پرداخته و از این راه یکی از شکوه‌مندترین تمدن‌ها و فرهنگ‌های تاریخ بشریت را آفریدند که به نام «تمدن و فرهنگ اسلامی» شناخته می‌شود.

در داستانی می‌خوانیم که: «رسول اکرم ﷺ وارد مسجد مدینه شد، چشمش به دو اجتماع افتاد که از دو دسته تشکیل شده بود و هر دسته حلقه‌یی تشکیل داده سر گرم کاری بودند.






یک دسته مشغول عبادت و ذکر و دستهٔ دیگر به تعلیم و تعلم و یاددادن و یادگرفتن سرگرم بودند. پیامبر ﷺ هر دو دسته را از نظر گذرانید و از دیدن آن‌ها خوشحال و مسرور شد. به کسانی که همراهش بودند رو کرد و فرمود: «این هر دو دسته کار نیک می‌کنند و بر خیر و سعادتند.» آنگاه جمله‌یی اضافه کرد: «لیکن من برای تعلیم و دانا کردن فرستاده شده‌ام.» پس خودش به طرف همان دسته که به کار تعلیم و تعلم اشتغال داشتند، رفت و در حلقهٔ آن‌ها نشست.»[1]

برای فهم بلندیِ جایگاه علم در اسلام همین بس است که پیامبر ﷺ فرمود: ﴿خَيرُ الدُّنيا وَ الآخِرَةِ مَعَ العِلمَ وَ شَرُّ الدُّنيا وَ الآخِرَةِ مَعَ الجَهل﴾ خیر دنیا و آخرت با دانش است و شرّ دنیا و آخرت با نادانی است.[2]

پیامبر اسلام ﷺ در این حدیث، تمام خیرها و خوبی‌های دنیا و آخرت را در همراهی با علم و دانایی بیان می‌کند و تمام بدی‌های دنیا و آخرت را در همراهی با جهل و نادانی می‌داند.

فعالیت

شاگردان، درس را در گروه‌ها با هم مباحثه کنند.

ارزیابی

۱- چه وقت، ملائک و فرشته‌ها در پیشگاه انسان سجده کردند؟
۲- چرا و چگونه مسلمانان توانستند «تمدن و فرهنگ اسلامی» را بسازند؟
۳- با توجه به داستان، پیامبر برای چه کاری فرستاده شده است؟

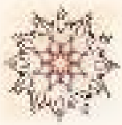


کار خانه‌گی

شاگردان، یک نفر از عالمان مسلمان را، در حد سه سطر معرفی کنند.

۱- مرتضی مطهری؛ داستان راستان، جلد اول.
۲- بحارالانوار، ج۷۹، ص ۱۷۰.







درس بیست و نهم

حِلم و بردباری

هدف: آشنایی با اهمیّت و ضرورت بردباری از نظر اسلام

پرسش‌ها

۱- آیا شما می‌دانید بُردباری چیست؟

۲- آیا شما با کسانی که هم‌سلیقهٔ شما نیستند، قطع رابطه می کنید؟

۳- به نظر شما، دیدگاه اسلام در این رابطه چیست؟

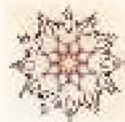
من و شما هر روز در رفت و آمدها و دید و بازدیدهای خود با انسان‌های فراوانی روبه‌رو می‌شویم. با آدم‌های مختلفی رابطه داریم. هریک از انسان‌ها روحیهٔ خاصی دارند.

ممکن است بسیاری از کارها و سخن‌ها، مورد پسند ما نباشند و خوش ما نیایند و ما را آزرده کنند. در میان این کارها و سخن‌ها، بسیاری از کارها و سخن‌های زشت و ناپسند وجود داشته باشند. حال سؤال این است که در برابر اینگونه کارها و سخن‌ها چه کار کنیم؟

۱- یک راه این است که با همهٔ کسانی که کار و سخن آن‌ها مورد تأیید و رضایت ما نیست و خوش ما نمی‌آید، قطع رابطه کنیم و تنها با کسانی رابطه داشته باشیم که به طور کامل هم‌سلیقه استیم! اما این کار ممکن نیست؛ زیرا هیچ دو انسانی یافت نمی‌شوند که صددرصد هم‌سلیقه باشند و هیچ تفاوتی در کار و سخن نداشته باشند.

۲- راه دوم، جنگ و درگیر شدن است. با هرکه هم‌سلیقه و هم‌نظر ما نیست و کار و سخنش از نظر ما ناپسند و زشت است، جنگ کنیم، تا از کار خود پشیمان شود و کار و سخن ما را تأیید کند! اما این راه نیز راه صحیح نیست؛ زیرا او نیز با ما جنگ را شروع می کند که نتیجه‌اش به وجود آمدن یک جنگ ناتمام و بی‌پایان است؛ پس باید راه سومی را جستجو و پیدا کنیم. راه سوم، همان راهی است که اسلام، قرآن و پیشوایان دینی پیشنهاد کرده و به ما نشان داده‌اند.






۳- راه اسلام و قرآن، «حِلم و بردباری» است. بردباری یعنی فرو بردن خشم و پیشه کردن صبر است کردن. امام علی عليه‌السلام فرمود: «تَعَلَّمُوا الحِلمَ فَإنَّهُ ثَمَرَةُ العِلمَ» تو را به بردباری سفارش می‌کنم؛ زیرا آن، میوهٔ علم و دانایی است».[۱] و نیز می‌فرماید: «إنَّ أوّلَ عِوَضِ الحَلِيمَ مِن خِصلَتِهِ أنَّ النّاسَ أعوانُه عَلَى الجاهِلِ» اوّلین مزد انسان بردبار به خاطر بردباریش این است که مردم از او در برابر جاهل حمایت می‌کنند.[۲]

از مجموع روایات موجود در متون اسلامی نتیجه می‌گیریم که اولیای دین برای ایجاد صمیمیت و برادری بین انسان‌ها و جلوگیری از دشمنی و جنگ بین آنان، مسلمانان را به بردباری در برابر کارها و سخن‌های متفاوت دعوت کرده‌اند و ارزش بسیاری برای حلم و بردباری قایل شده‌اند.

البته باید توجه داشت که بردباری نیز درجه و اندازه‌یی دارد و تا آنجا شایسته است که به تباه شدن حقوق اسلامی یک مسلمان و از میان رفتن جایگاه انسانی یک انسان ختم نشود.

فعالیت

شاگردان، در گروه‌ها در بارهٔ غضب، اعراض (رویگردانی و دوری جستن) و بردباری بحث کنند.

ارزیابی

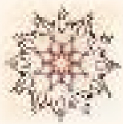
۱- بردباری چیست؟
۲- چرا از همهٔ آدم‌هایی که هم‌سلیقهٔ ما نیستند، نمی‌توانیم دوری کنیم؟
۳- جنگ و نزاع با کسانی که هم‌سلیقهٔ ما نیستند، چه نتیجه‌ای دارد؟
۴- بنا به فرمودهٔ امام علی عليه‌السلام اولین مزد انسان بردبار چیست؟



کار خانه‌گی

شاگردان، با همکاری والدین و افراد باسواد خانوادهٔ خود، پنج سطر در بارهٔ اهمیت و ضرورت بردباری در جامعه و خانواده بنویسند.

۱- بحار الانوار؛ ج ۷۸، باب ۱۶، حدیث ۱۴۰.
۲- بحار الانوار؛ ج ۷۱، باب ۹۳، حدیث ۶۸.




درس سی ام

عفو و گذشت

هدف: آشنایی با جایگاه عفو و گذشت و اهمیت آن‌ها در اسلام

پرسش‌ها

۱. آیا می‌دانید عفو و گذشت در اسلام چه جایگاهی دارد؟

۲. به نظر شما، چرا برخی از انسان‌ها نمی‌توانند زنده‌گی خوب و خوش داشته باشند؟

در درس گذشته با حلم و بردباری آشنا شدیم و دانستیم که بردباری بهترین و مناسب‌ترین پاسخ برای رفتارهای ناپسند و زشت دیگران در فعالیت‌های اجتماعی است. حال باید اضافه کنیم که لازمهٔ بردباری در مقابل این‌گونه رفتارها، «عفو و گذشت» است.

عفو و گذشت یکی از بزرگ‌ترین فضایل اخلاقی است که رسیدن به آن کار آسانی نیست؛ به خصوص زمانی که یک انسان، قدرت انتقام گرفتن را داشته باشد.

آیا تا به حال فکر کرده‌ایم که این انتقام‌گیری‌ها و عفو نکردن‌ها چه بلایی بر سر من و شما و کشور مان آورده است؟

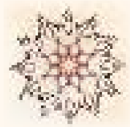
آیا تا کنون اندیشیده‌ایم که اگر هریک از من و شما بدی‌ها و خطاهایی را که گاهی دیگران انجام می‌دهند نادیده گرفته و گذشت می‌کردیم، چه اتفاقی می‌افتاد؟

بعضی از مردم کینه‌ها را در سینه‌های خود پنهان می‌کنند و به طور دایم در انتظار روزی استند که بر دشمن پیروز شوند و چندین برابر از او انتقام بگیرند. آیا این کار نشان مسلمانی و شعور انسانی است؟

سیره و روش انسان‌های بزرگ از جمله انبیا و اولیا این بوده است که هنگام پیروزی، گذشته‌ها را با آب عفو بشویند و دشمنان سرسخت خود را از این طریق به دوستان صمیمی بدل کنند. آن‌ها همیشه به فکر تربیت بودند نه به فکر انتقام‌گیری.

در بارهٔ عفو و گذشت، آیات و روایات زیادی آمده است که به چند نمونه از آن‌ها اشاره






می کنیم:

۱- خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ اَعْرِضْ عَنِ الْجاهِلینَ﴾ گذشت پیشه کن و به [کار] پسندیده فرمان ده و از نادانان رُخ برتاب.[1]

۲- رسول اکرم ﷺ فرمود: «هنگامی که بنده‌گان در پیشگاه خدا می‌ایستند، آوازدهنده‌یی ندا دهد: آن کس که مزدش با خداست برخیزد و به بهشت رود. گفته می‌شود: چه کسی مزدش با خداست؟ می گوید: گذشت کننده‌گان از مردم.»[2]

نکته: فضیلت عفو و گذشت به عنوان یک اصل از نظر دین مقدس اسلام جای تردید نیست؛ اما این، به آن معنا نیست که استثنایی نداشته باشد. مواردی پیش می‌آید که عفو و گذشت سبب جرأت و جسارت بیشتر جنایت‌کاران می‌شود. به یقین هیچ دین، آیین و انسانی عفو و گذشت را در این‌گونه موارد روا و درست نمی‌داند؛ بلکه برای حفظ نظم جامعه و جلوگیری از تکرار جرم، خواهان مجازات عادلانهٔ جنایت‌کار می‌شود.

فعالیت

شاگردان، در گروه‌ها درس را با هم مباحثه کنند.

ارزیابی

۱- عفو و گذشت در چه زمانی با فضیلت‌تر است؟

۲- آیا عفو و گذشت همیشه درست و عقلانی است؟

۳- سیره و روش پیامبران علیهم‌السلام هنگام پیروزی چه بوده است؟



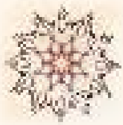
کار خانه‌گی

شاگردان، با والدین خود در بارهٔ نتایج نبود فرهنگ عفو و گذشت در کشور ما بحث نموده و نتیجهٔ بحث را در سه سطر بنویسند.

۱- اعراف/ ۱۹۹.

۲- بحارالانوار، ج۶۴، ص۲۶۶.






درس سی و یکم

همت بلند

هدف: آشنایی با مفهوم همت بلند و اهمیّت آن

پرسش‌ها

۱- آیا شما مفهوم «همّت بلند» را می‌دانید؟

۲- به نظر شما همت بلند در زنده‌گی انسان چه تأثیری دارد؟

۳- آیا شما می‌توانید یک انسان بلندهمت باشید؟

همت بلند دار که مردان روزگار　　از همت بلند به جایی رسیده‌اند

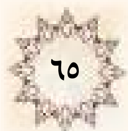
بدون تردید همت بلند یکی از نشانه‌های روح بزرگ آدمی است. برنامه‌های اسلامی، انسان‌ها را تشویق می‌کند که روح بلند داشته و خود را محدود به امور پَست نکنند.

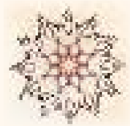
همّت در لغت از ریشهٔ «همّ» به معنای عزم و ارادهٔ قوی است. در اصطلاح «همت بلند» عبارت است از «تلاش و کوشش برای به دست آوردن سعادت و کمال و طلب کردن کارهای بزرگ و عالی، بدون در نظر گرفتن سود و زیان زودهنگام آن»[۱].

انسان‌های دارای همت بلند همیشه موفق بوده‌اند و در زنده‌گی خود دارای نظم و برنامه می‌باشند. همیشه کار را از جای کوچک آغاز می‌کنند؛ ولی هدف بزرگ با نقشهٔ وسیع دارند.

سعدالدین تفتازانی از عالمان بزرگ مسلمان است. روزی خواست از اندازهٔ همت فرزند خود آگاه شود؛ به او گفت: «پسرم! هدف تو از تحصیل چیست؟ پسرش گفت: می‌خواهم مثل تو شوم. پدر از کوتاهی فکر فرزند خود متأثر شد و با لحن تأسف‌آور گفت: اگر همت تو همین است، هرگز به نیمی از مراتب علمی من نخواهی رسید؛ زیرا من می‌خواستم امام صادق علیه‌السلام

۱- ملا مهدی نراقی؛ علم اخلاق اسلامی (ترجمه کتاب جامع السعادات)، ترجمه سید جلال الدین مجتبوی، ص ۳۲۲.






شوم، این شدم! وای بر حال تو که می‌خواهی مثل من شوی.»[1]

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «هر که ازپله‌های همت بلند بالا رود، جهانیان او را به دیدهٔ تعظیم بنگرند.»[2]

ایشان نیز می‌فرماید: «کسی که همتش کوچک باشد، فضایل او از دست می‌رود.»[3]

البته باید توجه داشته باشیم که انسان باید در تمام شؤون و بخش‌های مثبت زنده‌گی، بلندهمت باشد. او باید این بلندهمتی را در تمام جنبه‌های خوب زنده‌گی خود به کار گیرد؛ بدین صورت که در کسب علم، انجام عبادات، تأمین معاش و امور دیگری چون صلهٔ رحم، خوش‌اخلاقی در برابر مردم، دوری از هرگونه گناه، بخشیدن خطاها و لغزش‌های دیگران و پرداختن به کار خیر و هر امری که شایستهٔ یک انسان مؤمن است، همت عالی را سرلوحهٔ کار خود قرار دهد.

فعالیت

دو یا سه شاگرد در بارهٔ بلندهمتی در صنف سخنرانی و دیگران سخنان آنان را تکمیل کنند.

ارزیابی

۱- همت بلند به چه معنا است؟

۲- تفتازانی به فرزند خود چه گفت؟

۳- انسان‌های بلندهمت چگونه کار می‌کنند؟

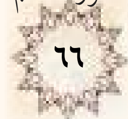
۴- با توجه به سخن امام علی علیه‌السلام، نتیجهٔ «همت بلند» و «همت کوچک» چیست؟

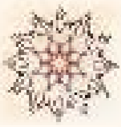


کار خانه‌گی

شاگردان، با همکاری والدین و همصنفان خود، همت خود را بسنجند و نتیجهٔ آن را در کتابچه‌های خود بنویسند.

۱- رمز پیروزی مردان بزرگ، جعفر سبحانی، صفحه ۱۰.
۲- غررالحکم، ص۴۴۸.
۳- غررالحکم، ص ۳۵۹.






درس سی و دوم

برابری در اسلام

هدف: آشنایی با اصل برابری در اسلام

پرسش‌ها

۱- به نظر شما، انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند؟

۲- آیا شما می‌دانید که در طول تاریخ، آدم‌هایی ادعای برتری نژادی داشته‌اند؟

۳- آیا دیدگاه مکتب اسلام را در این باره می‌دانید؟

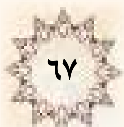
در طول تاریخ، افراد یا گروه‌هایی وجود داشته‌اند که خود را برتر و بهتر از سایر مردم می‌دانسته‌اند. عده‌یی برتری خود را به نژاد، قوم و یا خانوادهٔ خود نسبت می‌دادند؛ عده‌یی مقام و موقعیت اجتماعی خود را دلیل برتری خود می‌دانستند و عده‌یی دیگر، مال و ثروت خود را سبب برتری خود می‌دانستند.

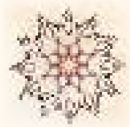
این‌گونه فکرها سبب می‌شد که آن‌ها امتیازات زیادی را برای خود قایل شوند و دیگران را از حقوق قطعی و مسلم‌شان محروم سازند. تمام ظلم‌ها و ستم‌هایی که در تاریخ انجام شده بر اساس همین اندیشه و روحیه بوده است.

فرعون یکی از همین افراد بود که نه تنها خود را برتر از دیگر انسان‌ها؛ بلکه خدای آن‌ها می‌دانست و از همین مسیر انسان‌ها را به برده‌گی و بنده‌گی خود می‌کشاند. او می‌گفت: ﴿...أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى﴾ پروردگار بزرگتر شما مَنَم![1] هیتلر نیز یکی از همین افراد بود که با فکر برتری نژادی، جنگ دوّم جهانی را شروع کرد و سبب کشته شدن چندین میلیون نفر شد. یهودی‌ها نیز کسانی استند که در طول تاریخ، خود را برتر از بقیه انسان‌ها دانسته و ظلم‌های بسیاری را انجام داده و جنایت‌هایی را مرتکب شده‌اند. قرآن از آنان نقل می‌کند که «و یهودان و ترسایان گفتند: ما پسران خدا و دوستان او استیم.»[2]

۱- نازعات/ ۲۴.

۲- مائده/ ۱۸.






اما اسلام از آغاز شکل‌گیری به مبارزه با این اندیشه‌ها برخاست و از طریق قرآن کریم اعلام کرد: ﴿وَ ما کانَ النّاسُ إِلاّ أُمَّةً واحِدَةً فَاخْتَلَفُوا﴾ و مردم جز یک امّت نبودند؛ پس اختلاف پیدا کردند.[1]

رسول گرامی اسلام نیز که همیشه با گفتار و کردار خود، برابری ذاتی انسانی و عدالت اسلامی را به مسلمانان آموزش می‌داد، روزی مردم را مخاطب قرار داده و فرمود: «مردم از زمان آدم تا کنون همانند دندانه‌های شانه برابرند و عرب را بر عجم و نژاد سرخ را بر سیاه، هیچ برتری و فضیلتی نیست جز به تقوی و پرهیزکاری.»[2]

با توجه به آیات و روایات، اصل مساوات و برابری نخستین پایهٔ نظام اجتماعی اسلام است؛ به گونه‌ای که هیچ آیین و دینی در این زمینه با دین مقدس اسلام برابری نمی‌کند.

در این دین الهی و مقدس، برتری یافتن و یا دور شدن از جایگاه انسانی در اختیار خود انسان است. انسان با تلاش، پشتکار و تقوای الهی می‌تواند برتر از بقیه موجودات؛ حتی برتر از فرشته‌ها و ملائکه شود و با سستی و بیکاره‌گی و تقوا نداشتن می‌تواند خود را پایین‌تر از گِل، سنگ و بدترین حیوانات کند.

فعالیت

شاگردان، در بارهٔ برابری در اسلام، در گروه‌ها با هم بحث کنند.

ارزیابی

۱- علت بسیاری از ظلم‌ها در تاریخ چه بوده است؟

۲- فرعون چرا مردم را به برده‌گی کشاند؟

۳- جنگ جهانی دوم چرا شروع شد؟

۴- اسلام نسبت به برتری عده‌ای از انسان‌ها نسبت به بقیه، چه نظری دارد؟



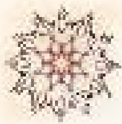
کار خانه‌گی

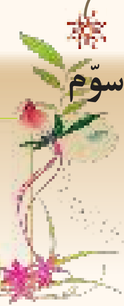
شاگردان، در بارهٔ ادعای برتری نژادی، شخصی و... با همکاری والدین خود هفت سطر بنویسند.

۱- یونس / ۱۹.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۴۰.







درس سی و سوّم

ملاک برتری (ارزش) در اسلام

هدف: آشنایی با ملاک برتری (ارزش) در اسلام

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید که ملاک برتری (ارزش) از دیدگاه اسلام چیست؟

۲- آیا لازم است که ما ملاک برتری (ارزش) از دیدگاه اسلام را بدانیم؟

۳- به نظر شما، ملاک برتری (ارزش) در جامعهٔ ما کدام است؟

اسلام دین کامل، جامع و همه‌جانبه است که به تمام جوانب و گوشه‌های زنده‌گی انسان توجه کرده است. از نظر اسلام تمام انسان‌ها در اصل خلقت و آفرینش یکسان و برابرند و از یک زن و یک مرد آفریده شده‌اند. تمایز، برتری و فرقی اگر دیده می‌شود، بر اثر تلاش و فعالیت و کسب کمالات است.

اما این‌که از نظر اسلام «کمال چیست؟» و «معیار کامل شدن کدام است؟» و «انسان به واسطهٔ چه چیزی ارزشمند می‌شود؟» در این درس با آن آشنا می‌شویم.

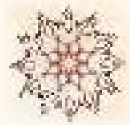
نخستین ملاک برتری و بالاترین کمال از نظر اسلام، «تقوا» است. تقوا، یعنی در برابر بدی‌ها و گناهان، خود را نگهداشتن؛ یعنی از پول حرام و جایگاه حرام دور شدن.

خداوند متعال که آفریننده و خالق انسان است، فرموده است: ﴿يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْناكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أُنْثى وَ جَعَلْناكُمْ شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاكُمْ إِنَّ اللهَ عَليمٌ خَبيرٌ﴾ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملّت ملّت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید، خداوند ﷻ دانای آگاه است.[1]

از نظر اسلام هیچ ارزش و کمالی برابر با ارزش و کمال تقوا نیست؛ حتی می‌توان گفت هیچ

۱- حجرات/ ۱۳.






چیزی جز به واسطهٔ تقوا ارزش و کمال نیست؛ بنابراین، یک زنی که تقوا دارد از مردی که تقوا ندارد، باارزش است؛ همین‌طور آدم بدقیافه‌یی که باتقوا است، نسبت به خوش‌قیافه‌یی که باتقوا نیست، باارزش است.

دومین ملاک برتری و دومین ارزش در اسلام، «وفا به عهد» و «خیانت نکردن» است. این ارزش نتیجهٔ ارزش اولی است؛ یعنی در واقع کسی که دارای تقوا است، هیچ‌گاه بدعهدی و خیانت نمی‌کند؛ چنان‌که خداوند متعال فرمود: ﴿بَلی مَنْ أَوْفی بِعَهْدِهِ وَ اتَّقی فَإِنَّ اللهَ یُحِبُّ الْمُتَّقینَ﴾ آری، هر که به پیمان خود وفا کند و پرهیزگاری نماید، بی‌تردید خداوند متعال، پرهیزگاران را دوست دارد.»[1]

سومین ملاک برتری در اسلام، «خوش‌رفتاری» و «کمال ادب» است. پیامبر گرامی اسلام، خود نمونهٔ بارز از حُسن خُلق و خوش‌رفتاری بود؛ چنانکه ایشان فرمود: ﴿حَسِّنُوا أَخلاقَکُم وَ أَلطِفُوا بِجیرانِکُم وَ أَکرِمُوا نِساءَ کُم تَدخُلُوا الجَنَّةَ بِغَیرِ حِسابٍ﴾ اخلاق خود را نیکو کنید و با همسایه‌گان خود مهربان باشید و زنان خود را گرامی بدارید تا بی‌حساب وارد بهشت شوید.[2]

فعالیت

چند شاگرد، ارزش‌های «تقوا»، «وفا به عهد» و خوش‌رفتاری» را در صنف توضیح دهند.

ارزیابی

۱- تقوا به چه معنا است؟

۲- آیا در اسلام مرد و زن ارزش متفاوت دارند؟

۳- پیامبر اسلام ﷺ چه دستوری برای ورود به بهشت داد؟



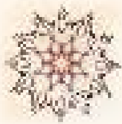
کار خانه‌گی

شاگردان، با همکاری والدین خود چهار سطر در بارهٔ ارزش‌ها از دیدگاه اسلام بنویسند.

۱- آل عمران/ ۷۶.

۲- التوحید/ ص ۱۲۷.





درس سی و چهارم

حقوق مردم (حق‌الناس)

هدف: آشنایی با حقوق مردم و اهمیت آن

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید که مردم چه حقوقی بر یکدیگر دارند؟

۲- آیا می‌دانید که رعایت این حقوق چه اندازه اهمیت دارد؟

۳- آیا شما نظر اسلام را در این زمینه می‌دانید؟

ما باور داریم که دین مقدس اسلام به عنوان کامل‌ترین دین، کامل‌ترین نظام حقوقی را دارد. اسلام در نظام حقوقی خود تمام حقوق و تکالیف مردم یک جامعه را مورد توجه قرار داده و از مسلمانان خواسته است به این حقوق و تکالیف پایبند باشند.

حق‌الناس و حقوق مردم که بخشی از آن، همان حقوق بشر است، در سخنان پیشوایان اسلام نیز با تعابیر بلندی مورد تأکید قرار گرفته است؛ از آن جمله:

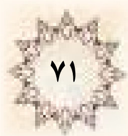
۱- پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «با مردم منصفانه رفتار کن و نسبت به آنان خیرخواه و مهربان باش؛ زیرا اگر چنین بودی و خداوند متعال بر مردم آبادی‌ای که تو در آن به سر می‌بری خشم گرفت و خواست بر آنان عذاب فرو فرستد، به تو نگاه می‌کند و به خاطر تو، به آن مردم رحم می‌کند. خدای متعال می‌فرماید: «و پروردگار تو (هرگز) بر آن نبوده است که شهرهایی را که مردمش درستکارند، به ستمی هلاک کند»».[1]

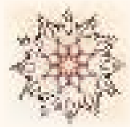
۲. امام علی علیه‌السلام فرمود: «سوگند به خدا اگر تمام شب را بر روی خارهای سعدان (خار سه شعبه، خیلی تیز و گزنده) به سر ببرم و یا با غل و زنجیر به این‌سو و آن‌سو کشیده شوم، خوش‌تر دارم تا خدا و پیامبرش را در روز قیامت در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بنده‌گان خدا ستم نموده و به ناحق چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم».[2]

آشکار است که «حقوق مردم» و «حق‌الناس» به افراد خاصی منحصر نمی‌شود؛ بلکه به طور

۱- مکارم الاخلاق، ص ۴۵۷.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۴۴.






عام و فراگیر، هر صاحب حقّی را شامل می‌شود؛ کلان باشد یا خُرد، آشنا باشد یا بیگانه، مسلمان باشد یا نامسلمان، زن باشد یا مرد. حتی در فرهنگ و نظام حقوقی اسلام، حیوانات، گیاهان و خاک و سنگ نیز حقوقی دارند که رعایت آن بر مسلمانان، لازم است. از سوی دیگر، هر گروهی به تناسب ارتباطی که با انسان دارد، از حقوق شایستهٔ خویش برخوردار می‌شود که ممکن است با حقوق گروه دیگر تفاوت داشته باشد به عنوان مثال: فرزند و والدین، هریک حقوقی بر گردن انسان دارند، برادر و خواهر حقوق متفاوت با حقوق والدین بر انسان دارند.

کدام حقوق؟

حقوق زیادی وجود دارد که مردم باید آن‌ها را نسبت به یکدیگر مراعات کنند. برخی از مهم‌ترین آن‌ها را با هم مرور می‌کنیم:

۱- به یکدیگر سلام کنند.

۲- یکدیگر را آزار ندهند.

۳- به عهد و پیمان خود وفا کنند.

۴- راست بگویند.

۵- به مال کسی دست‌درازی نکنند.

۶- از کاری که دیگران را ناراحت می‌کند، دوری نمایند.

۷- غیبت کسی را نکنند.

۸- به کسی تهمت نزنند.

فعالیت

شاگردان، درس را در گروه‌ها مباحثه کنند.

ارزیابی

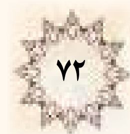
۱- فرق حقوق مردم با حقوق بشر چیست؟

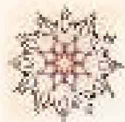
۲- آیا حقوق مردم خاص مسلمانان است؟



کار خانه‌گی

شاگردان، با کمک والدین و با راهنمایی معلم دینی، چهار حق از حقوق مردم را بر هشت حق نامبرده در کتاب، اضافه نموده و در کتابچه‌های خود بنویسند.







درس سی و پنجم

امانتداری

هدف: آشنایی با اهمیت امانتداری

پرسش‌ها

۱- به نظر شما، امانتداری چه اندازه مهم است؟

۲- آیا نظر اسلام را در باره امانتداری می‌دانید؟

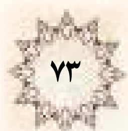
یکی از صفت‌های بسیار زیبا و پسندیده، امانت‌داری و بازگرداندن سالم و به موقع امانت است. امانت و امانتداری از موضوعاتی است که فرهنگ دینی بر آن بسیار تأکید کرده است. در قرآن کریم در آیات متعددی به رعایت امانت توصیه شده است؛ از جمله می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمانَاتِ إِلى أَهْلِها﴾ خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها و امانت‌ها را به صاحبان آن‌ها ردّ کنید».[1]

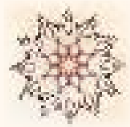
حضرت علی علیه‌السلام فرمود: پیامبر گرامی اسلام لحظه‌یی قبل از وفات سه بار به من فرمودند: «ای علی! امانت را به نیکوکار و بدکار پس بده، کم باشد یا زیاد حتی تار و سوزن».[2]

حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمود: «خداوند هیچ پیامبری را برنینگیخته، جز به راستگویی و ادای امانت به نیکوکار و بدکار».[3]

پیامبر گرامی اسلام حتی قبل از بعثت، به «محمّد امین» معروف بود و مردم اشیای گران‌بهای خود را نزد آن حضرت امانت می‌گذاشتند. حتی در شب هجرت (لیلة المبیت) که رسول خدا مخفیانه از مکه خارج شد، امانت‌های مردم را که اغلب از کفار بود، نزد «امّ ایمن» گذاشت و به حضرت علی فرمود که در موقع مناسب آن‌ها را به صاحبانش برگرداند.

۱- نساء / ۵۸.
۲- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۲۷۵.
۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۸۵.






انواع امانت در اسلام

در فرهنگ اسلام امانت به دو چیز گفته می‌شود:

الف) تکالیف بنده‌گی؛ یعنی آنچه را خداوند به انسان عطا می‌کند و از او می‌خواهد آن‌ها را محافظت نموده و به صورت درست استفاده نماید؛ چند نمونه از این گونه امانت‌ها قرار زیر است:

۱- اعضا و نیروهای وجود انسان: تمام اعضا و نیروهای وجود انسان نعمت‌هایی استند که به صورت امانت در اختیار انسان قرار گرفته‌اند و باید به طور درست استفاده شوند.

۲- علم و دانش: علم و دانش امانت الهی نزد عالم و دانشمند است و باید درست به کار گرفته شود.

ب) مال سپرده‌شد؛ منظور از مال سپرده‌شده، دارایی‌هایی است که به انسان امانت داده می‌شوند و او باید از این امانت‌ها به نحو درست نگهداری کند؛ مثل:

۱- کتابچۀ همصنفیِ شما که نزد شما امانت است و شما وظیفه دارید که هرگاه آن را خواست، به او بازگردانید و خیانت نکنید.

۲- مکتبی که شما در آن درس می‌خوانید و مال همۀ مردم افغانستان است و شاگردان و معلمان همه وظیفه دارند که در حفظ نظافت، ساختمان و اموال آن کوشا باشند.

فعالیت

شاگردان، در گروه‌ها در بارۀ امانت‌داری بحث کنند.

ارزیابی

۱- پیامبر گرامی اسلام لحظه‌ای قبل از وفات، چه دستوری به امام علی علیه‌السلام داد؟

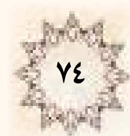
۲- پیامبر گرامی اسلام قبل از بعثت، به چه صفتی معروف بود؟

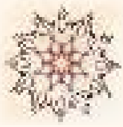
۳- نمونه‌هایی از امانت الهی نزد انسان را نام ببرید.



کار خانه‌گی

شاگردان، با همکاری والدین و عضو باسواد خانوادۀ خود، سه سطر در بارۀ امانتداری و اهمیت آن بنویسند.







درس سی و ششم

نظافت و پاکی



هدف: آشنایی با اهمیت نظافت و پاکی

پرسش‌ها

۱- به نظر شما نظافت چه اهمیتی دارد؟



۲- اسلام برای نظافت چه اندازه اهمیت می‌دهد؟

نظافت و پاکیزه‌گی فواید زیادی دارد که به برخی از آن‌ها قرار ذیل اشاره می کنیم:

۱- باعث سلامتی انسان می گردد.

۲- باعث رضایت خداوند متعال می‌شود.

۳- مردم را نیز خوشنود می‌سازد.

اسلام دین پاکی و پاکیزه‌گی است و فقط انسان پاک می‌تواند به قرآن کریم دست بزند و از آن بهره ببرد و از مسیر قرآن راه سعادت را بیابد. خداوند متعال فرمود: ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ جز پاک‌شده‌گان بر آن دست نزنند.[۱] همین‌طور از نظر اسلام، نماز کلید بهشت است و اما کلید نماز، طهارت و پاکی است. در این زمینه پیامبر ﷺ فرمود: ﴿لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهُورٍ﴾ نمازی نیست جز با طهارت و پاکی.[۲]

وقتی ما به دستورهای دین مبین اسلام نگاه می کنیم، متوجه می‌شویم که خداوند متعال انسان‌های پاک و نظیف را دوست دارد[۳] و می‌خواهد بنده‌گانش انسان‌های پاک و منظم باشند و انسان‌های کثیف و نامنظم نمی‌توانند بنده‌گان خوب خداوند متعال باشند؛ زیرا عبادت خداوند متعال نیاز به وضو و غسل دارد و باید به طور منظم انجام شوند.

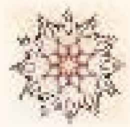
اقسام نظافت و پاکی

۱- واقعه/ ۷۹.

۲- من لایحضره‌الفقیه، ج ۱، ص ۳۳.

۳- « خداوند توبه کاران و پاکیزگان را دوست می‌دارد» بقره/ ۲۲۲.






حال که اهمیت نظافت را از نظر اسلام دانستیم، باید بدانیم که نظافت دو شاخه است.

الف) پاکی ظاهری: خداوندﷻ به پیامبر دستور می‌دهد «و لباس خویشتن را پاک کن».[1]

ب) پاکی باطنی: خداوندﷻ می‌فرماید: «آنگاه که به شام‌گاهان و آنگاه که به بامدادان، درآیید خداوند را به پاکی بستایید».[2] تسبیح خداوند در حقیقت یادکردن خداوند متعال به پاکی و سبب پاک شدن باطن انسان است.

هرکدام از پاکی ظاهری و باطنی خود دو گونه‌اند:

۱- فردی: پاکی و نظافتی که به زنده‌گی خودِ شخص مربوط می‌شود؛ مثل مسواک زدن که سبب می‌شود دندان‌های انسان پاک و سالم شود.

۲- اجتماعی: پاکی و نظافتی که به جامعه نیز مربوط می‌شود؛ مثل نینداختن چیزهای اضافی خانهٔ خود در کوچه و سرک و قرار دادن آن در جاهای خاصی که شاروالی معین کرده است.

مسلمان واقعی همهٔ اقسام پاکی را رعایت می‌کند تا بتواند محبوب خداوند باشد و شایستهٔ بنده‌گی او شود.

فعالیت

شاگردان، در بارهٔ نظافت و پاکی در گروه‌ها بحث کنند.

ارزیابی

۱- فواید پاکی و نظافت چیست؟

۲- چه کسی می‌تواند به قرآن دست بزند و از آن بهره ببرد؟

۳- پاکی باطنی به چه معنا است؟



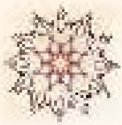
کار خانه‌گی

شاگردان، با پدر و مادر خود در بارهٔ پاکی و نظافت فردی و اجتماعی بحث کنند و نتیجهٔ آن را در چهار سطر بنویسند.

۱- مدثر/ ۴.

۲- روم/ ۱۷.







درس سی و هفتم

ترحم بر حیوانات

هدف: آشنایی با جایگاه ترحم بر حیوانات در اسلام

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید که حیوانات مثل انسان‌ها قابل ترحم‌اند؟

۲- آیا شما نظر دین مقدس اسلام را در بارۀ ترحم بر حیوانات می‌دانید؟

در مکتب اسلام، در بارۀ دفاع از حیوانات و حمایت آن‌ها نیز سخنان زیبایی بیان شده است و در هیچ حالی ترحم بر حیوانات را فراموش نکرده است.

در این مکتب، سفارش‌ها و رفتارهای تعجب‌برانگیزی در بارۀ ترحم بر جانداران بیان شده است. بر اساس برخی از روایات، ترحم بر حیوان موجب پاداش و آزار و اذیتش، سبب عذاب آخرت است؛ به گونه‌یی که در کتاب‌های فقه، حدیث و اخلاق، فصل‌های مفصلی در این زمینه نگارش یافته است. برای نمونه به مواردی از این توصیه‌ها اشاره می‌کنیم:

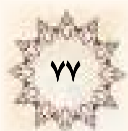
۱- پیامبر خاتم ﷺ در بارۀ مدارا و مهربانی با حیوانات و نیز مراعات حال ضعیف آن‌ها هنگام سوار شدن و در مسیر حرکت، فرمود: «خداوند مدارا و ترحم کردن را دوست دارد و بر انجام آن کمک می‌کند؛ پس هرگاه بر چهارپایان لاغر سوار شدید، آن‌ها را در منزل‌های‌شان (توقف‌گاه‌ها) فرود آورید. اگر زمین خشک و بی‌گیاه بود، با شتاب از آن بگذرید و اگر سرزمین سرسبز و پرعلف بود، آن‌ها را در آنجا استراحت دهید!»[۱]

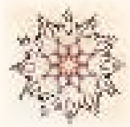
۲- نیز پیامبر ﷺ فرمود: «خدای تعالی کسی را که حیوان‌ها را به جان هم می‌اندازد تا با هم بجنگند، لعن کرده است».[۲]

۳- حضرت عایشه می‌گوید: «از خانه بیرون آمدم، دیدم رسول خاتم ﷺ با لباس خود بر

۱- بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۲۱۳.

۲- حیات الحیوان الکبری، ج ۲، ص ۱۲۲.






پشت اسبش می‌کشید و او را نوازش می‌داد. گفتم: پدر و مادرم فدایت ای رسول خدا! آیا با لباس خود پشت اسب را می‌نوازی؟ فرمود: آری، ای عایشه! آیا نمی‌دانی شاید پروردگارم مرا به این کار فرمان داده باشد؟ ضمن این که من نزدیک استم و فرشته‌گان در غبارزدایی از اسب و تیمار آن، مرا همراهی می‌کنند. گفتم: ای رسول خدا! این کار را به من بسپارید تا کسی باشم که به این کار اقدام کرده است. فرمود: چنین نمی‌کنم. دوستم جبرئیل به من خبر داد که خدای تعالی در مقابل هر دانه‌یی که به او می‌دهم، برایم نیکی می‌نویسد. هیچ مسلمانی نیست که از اسبی در راه خدا حفاظت نماید؛ مگر این که در مقابل هر دانه‌یی که به او می‌دهد، نیکی دریافت می‌کند و گناهش پاک می‌شود».

با توجه به احادیث بالا، همهٔ ما موظفیم تا: ۱- برای حیوانات خود، آب و غذای به‌موقع برسانیم؛ ۲- از جنگ دادن حیواناتی؛ مثل سگ: و خروس دوری کنیم. ۳- حیوانات خود را با تکه یا وسیلهٔ دیگری نوازش کنیم.

سعدی شیرازی نیز با استفاده از آموزه‌های دینی، شعری را در بارهٔ ترحم بر حیوانات سروده و گفته است:

میازار موری که دانه‌کَش است　　　که جان دارد و جان شیرین خوش است

فعالیت

شاگردان، در گروه‌های سه نفری در مورد متن درس با هم بحث کنند.

ارزیابی

۱- پیامبر برای کسی که در مسافرت حیوانی به همراه خود دارد، چه سفارش کرده است؟

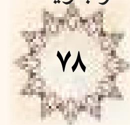
۲- چرا پیامبر اسب خود را با لباسش نوازش می‌کرد؟

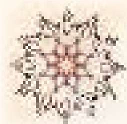
۳- خداوند چه کسی را لعنت کرده است؟



کار خانه‌گی

شاگردان، با همکاری والدین و دیگر اعضای خانوادهٔ خود، در بارهٔ ترحم بر حیوانات چهار سطر بنویسند.






درس سی و هشتم

ضررهای مواد مخدر

هدف: آشنایی با ضررهای مواد مخدر

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید مواد مخدر چه ضررهایی دارد؟

۲- به نظر شما، پیامد اجتماعی استفاده از مواد مخدر چیست؟

استفاده از مواد مخدر ضررهایی بی‌شماری دارد که در این درس با برخی از بدترین ضررهای آن آشنا می‌شویم.

الف) از بین رفتن عقل

اسلام، عقل را یک دارایی بسیار گران‌قیمت و با ارزش می‌داند که همه رفتارهای فردی و اجتماعی انسان را به تعادل و جذابیّت سوق و جهت می‌دهد و سبب می‌شود انسان به واسطهٔ همین رفتارها، متعادل و جذاب شود.

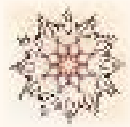
یکی از اصلی‌ترین ضررهای مواد مخدر برای انسان معتاد، کم شدن یا از بین رفتن همین دارایی؛ یعنی عقل است. هرکدام از ما، انسان‌های معتادی را دیده‌ایم که مثل دیوانه‌ها در بین کثافات راه می‌روند؛ لباس‌ها و بدن‌شان آلوده است و خوبی و بدی خود را نمی‌دانند.

ب) مرگ تدریجی

ضرر دوم مواد مخدر، مرگ تدریجی و لحظه به لحظهٔ انسان معتاد است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَ لا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ و خود را با دست خود به هلاکت میفگنید».[1] بر اساس این آیه، انسان حق ندارد خودکشی کند، چه این خودکشی یکباره و در یک لحظه صورت بگیرد و چه به مرور و در ظرف چند ماه یا چند سال انجام شود.

۱- بقره/ ۱۹۵.






ج) اسراف مال و جان

قرآن می‌فرماید: «و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راه‌مانده را [دستگیری کن] و اسراف مکن؛ چرا که اسراف‌کاران برادران شیطان‌هایند، و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است».[1]

آیا خرید و مصرف مواد مخدّر، یک نوع اسراف و عمل شیطانی و بی‌توجهی به نعمتِ مال، جسم و جان انسان محسوب نمی‌شود؟

اسراف به معنای راکنده کردن و مصرف کردن مال در مخارجی است که نه تنها ضرورت ندارد؛ بلکه باعث هلاکت آدمی است؛ بنابراین اسراف‌کننده کسی است که دارایی‌ها و اموال خود را می‌پاشد و ضایع می‌کند.

د) فاسد کردن اجتماع

مواد مخدر نه‌تنها به شخص ضرر می‌رساند؛ بلکه جامعه را نیز فاسد می‌کند. انواع آلوده‌گی‌ها، دزدی‌ها، گدایی‌ها و مرض‌های جسمی و روانی، بخشی از ضررهای اجتماعی اعتیاد است.

فعالیت

شاگردان، در گروه‌های سه نفری در مورد درس با هم بحث نمایند.

ارزیابی

۱- مواد مخدر چه تأثیری بر عقل انسان می‌گذارد؟

۲- مواد مخدر چه ضرری برای سلامتی انسان دارد؟

۳- آیا از نظر اسلام انسان حق دارد خود را بکشد؟

۴- آیا از نگاه نظر اسلام، انسان حق دارد مال خود را برای خرید مواد مخدر مصرف کند؟

۱- أسراء/ ۲۷.

